

دنیاشناسی از زبان امام علی(ع) براساس خطبه های نهج البلاغه و نسبت آن با تربیت معنوی

دکتر محمدعلی زکی

دانشیار بازنشسته جامعه شناسی دانشگاه امام حسین(ع)

Mazaki42@yahoo.com

چکیده

در قرن بیست و یکم، معنویت بیش از پیش در جوامع بشری اهمیت یافته و این مهم در دهه اخیر، زمینه ساز ظهور رویکردی جدید در تربیت به نام تربیت معنوی شده است. تربیت معنوی را می توان تلاش و توسعه و تحکیم پیوند انسان با خویش، با دیگران، با طبیعت و خداوند تعریف کرد که محصول آن بخشیدن غنا و عمق به زندگی انسان است. نهج البلاغه آثار مختلف دنیاشناسی را در حیات انسانی بیان کرده است. دنیاشناسی یکی از مبانی تعلیم و تربیت در نهج البلاغه و هم چنین یکی از اصول اساسی تربیت معنوی در نهج البلاغه تلقی شده است. براساس آموزه های نهج البلاغه دنیاگرایی مهم ترین آسیب تربیت معنوی است. دنیاگرایی مانع نیل انسان به مراتب کمال و تربیت معنوی بوده است. هدف پژوهش حاضر بررسی سیمای دنیا و آخرت از زبان امام علی(ع) براساس خطبه های نهج البلاغه و هم چنین ساخت و طراحی مدل نهایی مربوطه خواهد بود. نوع پژوهش «استفاده از منابع موجود» و روش گردآوری اطلاعات «روش تحلیل محتوا» در نظر گرفته شده است. پس از بررسی و مطالعه دقیق هفت منبع و فهرس موضوعی نهج البلاغه در مجموع ۶۴ مرتبه در ۴۷ خطبه (۱۵۴ فراز) شناسایی و نهایی شدند. یافته های پژوهش درباره طراحی و ساخت مدل نهایی دنیاشناسی امام علی(ع) به تفکیک سه بعد تربیت معنوی، مبتنی بر سه بخش اصلی به ترتیب توالی سنخ شناسی شده اند: ۱) بعد شناختی شامل توصیف و چیستی دنیا (۱۹ مرتبه و بیان ۱۹۰ ویژگی دنیا)، نسبت بین دنیا و آخرت (۸ مرتبه)، ۲) بعد عاطفی/احساسی دنیا اندیشی (موعظه و عبرت گرفتن از گذشتگان نسبت به دنیا و هم چنین مثال دنیا) (۱۶ مورد و ۱۱۵ نکته و ۳) بعد رفتاری شامل وظایف ما نسبت به دنیا (۳۳ مرتبه و معرفی ۷۳ وظیفه و چرایی و ضرورت وظایف ما) (۱۹ مرتبه و بیان ۹۶ ضرورت)، اندیشه ورزی امام علی(ع) نسبت به دنیا و آخرت بر گرفته از آموزه های قرآن کریم، رویکردی جامع، روشنگرانه، آینده پژوهی و تحلیل گری بوده است. امام تصاویر مختلف از دنیا ارائه داده تا به انسان بصیرت بخشد و بر اساس آن با دنیا به تعامل بپردازد. نسبت بالای جنبه منفی تصاویر ارائه شده از دنیا، به مثابه ی هشدار و تلنگری است که می خواهد موجب دنیابینی و آخرت طلبی شود. البته در کنار این تصاویر، امام به جنبه مثبت دنیا نیز توجه داشته است.

واژگان کلیدی: امام علی(ع)، خطبه های نهج البلاغه، دنیا، تربیت معنوی، تحلیل محتوا

مقدمه:

تربیت انسان کامل همواره به عنوان یک هدف، آرمان و غایت تربیتی مورد توجه بوده است. در آغاز هزاره سوم و باتوجه به رویکرد های جهانی شدن انسان با چالش هایی چون بحران معنویت، اخلاق، هویت و بحران محیط زیست و اسارت و بندگی تکنولوژی مواجه است. حال اینکه چگونه می توان انسان امروزی را برای مواجه با این بحران ها و در راس آنها معنویت تجهیز و آماده کرد و بی شک توجه به بعد معنوی تربیت یا همان تربیت معنوی کار بسیار مهم و خطیر نظام آموزش و پرورش است. تعلیم و تربیت اگر بخواهد همه جانبه و کل نگر باشد، باید علاوه بر خود فیزیکی و ذهنی، به خود روحی و معنوی نیز توجه کافی داشته باشد. تربیت معنوی نیز به دنبال ایجاد تغییر سازنده در انسان است تا او به لحاظ معنوی رشد پیدا کند.

معنویت با نشان دادن معنا و مقصد واقعی زندگی به روح انسان، به کمک بشر شتافته و وی را به سرمنزله سعاد و خوشبختی می رساند. تربیت معنوی به دنبال ایجاد چنین رابطه ای غم خوارانه با خویشتن، با دیگران، با طبیعت و خداوند است. معنویت یکی از نیازهای درونی انسان است و به عنوان عنصر حیاتی عملکرد انسان در نظر گرفته میشود. معنویت به همان سرعتی که در طول چند قرن اخیر از اذهان روشنفکران و اندیشمندان غربی رخت بر بسته یود، به همان سرعت نیز در حال بازگشت است. گرایش به معنویت به عنوان گرایشی نو، در عرصه های تربیتی و فرهنگی مغرب زمین بیش از عرصه های دیگر به چشم می خورد. جنبش معنویت گرایی نتیجه توجه زیاد به معنویت به شمار می رود.

قلمرو تعلیم و تربیت، مهم ترین بستری است که می تواند در تحقق یافتن معنویت در زندگی انسان ها، نقشی مؤثر ایفا کند. این امر در دهه اخیر، زمینه ساز ظهور رویکردی جدید در تربیت به نام تربیت معنوی شده است. مفهوم معنویت از ارتباط با مهارت های تفکر و تامل و تنها وابسته به ارتباط با خدا، گسترده تر است. اگر تربیت را از ریشه (ر ب ب) به معنای اصلاح و تدبیر و سرپرستی کردن، به تمام رساندن و کامل کردن و همچنین از ریشه دیگر آن یعنی (ر ب و) به معنای رشد و نمو، افزودن و پرورش جسم بدانییم، (باقری ۱۳۹۰)، تربیت معنوی را می توان اینگونه تعریف کرد: کوششی است برای رشد و شکوفایی و رسیدن به یک معنا و حقیقت متعالی. و همچنین تربیت معنوی آموزش برای زندگی است.

همچنین مطالعه مفهوم معنویت در دنیای معاصر حکایت می کند که در رویارویی با مفهوم معنویت طیفی از دین باوری تا معنویت باوری فارغ از دین وجود دارد. در یک سوی این طیف، متفکران دینی قرار دارند که معتقدند اصولاً مفهوم معنویت تنها در چارچوب گفتمان دینی معنا پیدا می کند و غیر از ادیان آسمانی (حتی ادیان زمینی) نمی توانند از معنویت - به مفهومی معنادار - سخن به میان آورند (باغلی و همکاران، ۱۳۹۲) در سوی دیگر این طیف متفکران سکولار قرار دارند که معنویت را نیاز عاطفی و روانشناختی انسان تلقی می کنند و الزامی به هویت بخشی دینی برای حل نیاز های معنوی نمی بینند. گرایش به سوی معنویت به عنوان گرایش نو در عرصه های تربیتی و فرهنگی به دو دلیل اتفاق افتاده است: نخست آنکه حوزه تربیت بهترین موقعیت و فرصت را برای تبلور معنویت در انسان فراهم می کند، دوم آنکه موضوع معنویت ذاتاً موضوعی تربیتی است.

«موری و زینتر (۱۹۸۹) در باره مفهوم معنویت این چنین میگویند: معنویت یک کیفیت روانی است که فراتر از باورهای مذهبی قرار دارد و در انسان ایجاد انگیزه میکند و احساساتی مثل درک هیبت الهی و احترام به خلقت را در شخص به وجود میآید. فرد معنوی در زندگی هدفمند است و معنوی زندگی را دریافته حتی در مواردی که فرد به وجود خداوند اعتقاد نداشته باشد، بعد معنوی انسان را و میدارد تا درباره ی خلقت و جهان لایتناهی اندیشه کند. زمانی این بعد مهم در زندگی برجسته و مهم میشود که انسان در برابر فشارهای عاطفی، بیماریهای شدید و مرگ قرار گیرد» (شهیدی، ۱۳۸۶)

تربیت معنوی یکی از رویکردهای جدید در حوزه تعلیم و تربیت است که با تمرکز بر حیات روحانی انسان و در پیوند با عالم معنا بستر ظهور مرادفات بین فرهنگی مردم جهان شده است. تربیت معنوی یکی از مهم ترین مسائل آموزشی و تربیتی می باشد. «احساس بودن و وجود به آموزش و پرورش و تربیت معنوی است که به زندگی معنا می دهد. معنویت یکی از ابعاد ذاتی وجودی انسان و مشترک میان تمام انسانها است. این بعد مانند سایر ابعاد شناختی، عاطفی و روانی حرکتی، موضوعی تربیتی است. پس تربیت معنوی یکی از

مهمترین مسائل آموزشی و تربیتی میباشد. نادیده گرفتن هر یک از وجوه انسان که طبیعتی چندبعدی دارد، بخشی از انسانیت افراد را حذف میکند. معنویت نیز بعدی از انسان دانسته شده است و آن را رابطه فرا رونده و ایجاد وحدت با ذات الهی، و رابطه با انسانها، طبیعت و رسیدن به یگانگی و اتحاد با هستی تعریف کرده اند» (قاسم پور و همکاران، ۱۳۹۵). «مفهوم تربیت معنوی از نگاه طباطبایی جهت دهی به فرایند تجرد نفس، متناسب با فطرت ربوبی او معنا می یابد که در پی تقویت میل، تفصیل معرفت و انجام عمل متناسب با آن است و اهداف از نظر وی سه جنبه شناختی، گرایشی و عملی دارد» (اشعری، باقری و حسینی، ۱۳۹۱).

مفهوم «تربیت معنوی» در میان کسانی که درصدد تبیین این مفهوم برآمده اند، دارای معانی مختلفی است. این تنوع آرا به دلیل وجود معناهای گوناگون، به ترکیب «تربیت معنوی»، معنای خاصی می بخشد و در شکل گیری چرایی و چگونگی آن، تفاوتی ماهوی ایجاد می کند. هند (۲۰۰۳) در مقاله ای با عنوان «معنا و مفهوم تربیت معنوی»، سعی کرده است تحلیلی فلسفی از مفهوم تربیت معنوی ارائه دهد که ماحصل آن یک نظام طبقه بندی منطقی از ترکیب کلمات معنویت و تربیت شکل داده و سرانجام، چهار معنا را برای تربیت معنوی بیان کرده است: ۱. تربیت بر اساس اصول معنوی؛ ۲. تربیت روح انسان؛ ۳. تربیت در یک فعالیت معنوی؛ ۴. تربیت در یک گرایش یا حالت معنوی. بدین ترتیب، تربیت معنوی - که در بُعد شناختی بر بینش ها، در بُعد عاطفی بر گرایش ها و در بُعد عملی بر فعالیت های خاص استوار است - در همه ابعاد زندگی انسان، تأثیر می گذارد و به نظر می رسد تربیت معنوی به لحاظ گفتمان عصر معنویت گرایی بیش از سایر عناوین تربیت مدنظر قرار می گیرد و در قالب تربیت دینی بیشتر نمود پیدا خواهد کرد. (به نقل از اشعری و همکاران)

همانطور که دیوید کار (۱۹۹۶) می گوید «اخیرا انقلاب فوق العاده ای از علاقه و کشش در بین مربیان در باب موضوعات معنوی و تربیت معنوی به وجود آمده است» و این امر زمینه ساز حضوری دیگر بعد از عصر طلایی یونان و جستار های آنان در باب فضیلت ها توسط سقراط، افلاطون و بویژه ارسطو شد و از طرفی تربیت معنوی با مورد توجه قرار دادن ساحت روحانی انسان برای رویکرد تربیت معنوی که در پیوند با ساحت ربوبی است، باب مناسبی برای گفت و گو در عصر جهانی شدن فرهنگ هاست و میتواند پیروان ادیان توحیدی را به وحدت نظر در تربیت انسان رهنمون سازد. دیوید کار تربیت معنوی را بخش متمایزی از تعلیم و تربیت، و جدا از تربیت دینی و شامل تجربه و درک سوالات بزرگ می داند. اهداف تربیت معنوی از نظر وی آموزش حقایق و پرورش فضایل معنوی از راه دو روش تربیت در یک گرایش معنوی و تربیت در یک فعالیت معنوی است.

«تربیت معنوی به دنبال رساندن انسان به معنا و مقصد در زندگی است که تحقق این امر، از طُرُق دینی و غیردینی ممکن است» (Watson, 2006). «بسیاری از جنبه های معنویت، صبغی عقلی داشته و می توان با استفاده از رویکرد عقلانی در تربیت معنوی، باورها و اعمال معنوی را برای متری توجیه و تبیین کرد و این بدین معنا است که معنویت منافاتی با خرد ندارد و هر دو به هم نیاز دارند» (Moran, 1998 & Harris). تربیت معنوی را می توان تلاش و توسعه و تحکیم پیوند انسان با خویش، با انسان دیگر، با طبیعت و خداوند تعریف کرد که محصول آن بخشیدن غنا و عمق به زندگی و انسان تر کردن انسان است تا در نهایت به تمام معنا انسان شود (Macquarrie, 1974, Meehan, 2002). در این تعریف به چهار نوع رابطه اشاره شده است:

(۱) توسعه و تحکیم رابطه ی انسان با خویش: به اعتقاد بسیاری از متخصصان و مربیان حوزه ی تربیت معنوی، قابلیت هایی چون خودفهمی، خودشناسی، خویشتن-پذیری و خود-ارزشی یکی از جنبه های حیاتی رشد معنوی است. تحقق این هدف لازمه ی تحقق اهداف دیگر است؛ انسان جهت شناخت غیرخویش و پذیراشدن آن، نخست باید خود را بشناسد و تا این اتفاق نیافتد، انسان نمی تواند متوجه غیر شده و آن را مشتاقانه پذیرا شود. پیامدهای تربیتی این هدف، می تواند خودآگاهی، کسب هویت، عزت نفس، پذیرش واقعیت، و تمکین در برابر مشکلات باشد.

(۲) توسعه و تحکیم رابطه ی انسان با انسان دیگر: رشد معنوی در خودشناسی خلاصه نمی شود، بلکه ارتباط با خود، پیش شرط برقرای ارتباط با غیر خود است که این غیر خود در اینجا، انسان است. زمانی که شخص به پختگی می رسد، بدین معنا است که از خودمداری فاصله گرفته و به سمت پذیرش وجود دیگران می رود. در این حالت، انسان علاوه بر خویش، برای دیگران

نیز زندگی می‌کند. پیامدهای تربیتی این هدف، می‌تواند عدالت، انسان‌دوستی، بخشش و خیرخواهی، فداکاری، درک و احترام متقابل باشد.

۳) توسعه و تحکیم رابطه‌ی انسان با طبیعت: امروزه با فجایع اکولوژیکی منتظره و غیرمنتظره‌ای مواجه هستیم که همگی ناشی از دخالت انسان در طبیعت است. پیامدهای تربیتی این هدف، می‌تواند علاقه به طبیعت، علاقه به خلوت‌گزینی، ستایش زیبایی، تعهد در قبال محیط، درک علمی از حیات و طبیعت باشد.

۴) توسعه و تحکیم رابطه‌ی انسان با وجود متعالی: این رابطه متوجه آشنایی و کشیده‌شدن انسان به سمت چیزی است که در عالم انسانی و مادی نمی‌گنجد. این هدف، اشاره به ایجاد و تقویت باور و ایمان به وجودی متعالی دارد که نیروی برتر است. هنگامی که انسان به شناخت این رابطه نائل آید، به یقین آن را ارج می‌گذارد و از آن آبشخور تغذیه می‌شود. پیامدهای تربیتی این هدف، می‌تواند داشتن ایمان و باور به چیزی والا، اعتقاد به حرکت همه‌ی انسان‌ها به سمت غایتی واحد، آرامش یافتن از طریق ستایش و عبادت، احساس جاودانگی و نامرگی باشد.

تحقیق افلویان (۲۰۱۸) که در آن، به منظور عرضه الگویی برای ادغام مراقبتهای معنوی در برنامه درسی نشان داده شده است مؤلفه های برنامه درسی معنوی در سه بُعد مهارت معنوی، آگاهی معنوی و دانش معنوی قرار دارند. همچنین شمشیری، رحیمیان و اردکانی (۲۰۲۰) در پی بررسی مفهوم تربیت معنوی دریافتند این مقوله، تابع مؤلفه های توسعه دانش، عشق ورزی، اعمال صالح و کسب فضایل برای تعالی روح خود و آگاهی از واقعیت است. «تربیت معنوی» تربیتی خداگرا، خدامحور و اصلاح کننده رابطه انسان با آفریدگار است. ویژگی بارز چنین رویکردی تقویت بنیان های اعتقادی و عرفانی (شناخت و معرفت خدا) و روحیه عبودیت و بندگی است. درواقع، تربیت معنوی برای این است که انسان روابط خود را با خدا، جهان، زندگی دنیا و آخرت شکل دهد و طبق همان صورتی که فلسفه کلی جامع اسلامی از خالق، انسان، جهان و زندگی دنیا و آخرت تعیین کرده است، گام بردارد. براین اساس، وقتی در پرتو تربیت معنوی، رابطه انسان نسبت به معبود خود، در مسیر درست قرار گرفت و زندگی او رنگ و بوی الهی یافت، تربیت واقعی صورت گرفته و انسان گام های بلندی برداشته است. تکرار یاد قیامت یکی از روشهای تربیت معنوی گزارش شده است «انتظامی بیان و قدسی، ۱۳۹۴». «آموزه‌های قرآنی منبع مؤثری برای تربیت معنوی از طریق نظام آموزشی می باشد. معادباوری (آخرت نگر) یکی از مفاهیم دال بر تربیت معنوی در قالب مؤلفه‌های اعتقادی شناسایی شد» (طهماسب زاده شیخ‌لار و جلیل زاده، ۱۴۰۰).

«معنویت دینی کیفیت (حالتی) روحانی است که در اثر ارتباط انسان با عالم معنا و واجب‌الوجود (خدای متعال) از مسیر عبودیت و بندگی خدای متعال و بر مبنای مبانی معرفت‌شناختی و احکام اسلام همچنین ارزش‌های اخلاق اسلامی برای دستیابی به بالاترین سطح از قرب الهی، قلب سلیم و حیات طیبه شکل می‌گیرد. در معنویت اسلامی نسبت دنیا و آخرت، نسبت ظاهر و باطن است. دنیا ظاهر حقیقتی است که باطنش آخرت و ابدیت است، و آخرت و ابدیت، باطن حقیقتی است که ظاهرش زندگی مادی دنیاست. اگر کسی به باطن رسید، نمیتواند، ظاهرش را انکار کند، اما اگر کسی در ظاهر بماند، ممکن است، باطن را انکار کند و از آن بهره ای نداشته باشد و با همین ظاهر سر تقابل با حقایق باطنی قرار گیرد. اعتقاد به معاد یکی از ویژگیهای انسان معنوی است. از آثار اعتقاد به معاد این است که انسان زندگی دنیا را مقدمه ای برای آخرت و دنیا را مزرعه ای برای آخرت دانسته و زندگی برای او با معنی و هدف دار خواهد شد. همچنین معنویت اسلامی دارای چهار بعد شامل بعد معرفتی، عاطفی، ارادی و کنشی است. علاوه بر آن آخرت گرایی یکی از مبانی معنویت اسلامی است» (رضایت و همکاران، ۱۴۰۱)

نهج‌البلاغه، سرشار از آموزه‌های اسلامی و سخنان حضرت علی(ع) و راه روشن بسیاری از اندیشمندان است. نظام تربیتی در نهج البلاغه دربردارنده چهار ویژگی (جنبه) هدایتی، اجتماعی، عقلانی و معنوی است (سارلی و همکاران، ۱۳۹۶). نهج‌البلاغه به عنوان یک متن دینی که مشتمل بر برخی فرمایشات امیرالمومنین(ع) است، آثار مختلف اعتقاد به معاد و هم چنین دنیاشناسی را در حیات انسانی بیان کرده است. توجه دادن به معاد یکی از اصول تربیت معنوی محسوب می شود (میرعرب، ۱۳۹۲). پرهیز از دلبستگی به دنیا یکی از مولفه های ساحت اعتقادی، اخلاقی، عبادی و تربیتی از دیدگاه امام علی(ع) در نهج البلاغه گزارش شده است. (محمدی پویا و

همکاران، ۱۳۹۴). «دینا شناسی» یکی از مبانی تعلیم و تربیت در نهج البلاغه (رستمی نسب، ۱۳۹۶) و هم چنین یکی از مبانی تربیت در قرآن و نهج البلاغه (علوی، ۱۳۹۷) گزارش شده است. در بررسی «آموزه های تربیتی قرآن» توجه به «آخرت اندیشی پایه و اساس تربیت اسلامی» لحاظ شده است (بهشتی، ۱۴۰۰). در این بررسی به سنخ شناسی چهار دسته آیات توجه شده که بخشی از این بررسی آیات مربوط به موضوع «ارتباط دنیا و آخرت» داشته است. هدف این فصل بررسی جایگاه تربیتی آخرت اندیشی و معادباوری گزارش شده است. در نگرش دینی، تربیت معنوی عبارت است از: «پروراندن و رشد دادن معنویت فطری متربی تا رسیدن وی به مرز ایمان و دیدن باطن و آنچه فراتر از ظاهر دنیا قرار دارد و رهایی از تعلقات مادی برای حرکت به سوی خدای یگانه و قرار گرفتن در ولایت او» (میرعرب، ۱۳۹۲)

تربیت معنوی پروراندن و رشد میل فطری انسان به پروردگار و تعالی بخشی ملکات نفسانی است. هدف نهایی دین تربیت معنوی انسان و تعالی روحی او است. «تربیت معنوی در سیاق مفاهیم نهج البلاغه، تربیت الهی است که دستیابی به آن مستلزم رعایت تقوای الهی است و نیاز به تعقل و تفکر و سیر در آفاق و انفس و جد و جهد در جهت تصفیة نفس از رذایل و آراستگی به جمیع فضایل است که تقرب الهی، تقوا و عبودیت از مهم ترین اهداف تربیت معنوی می باشند و مهم ترین اصول تربیت معنوی از منظر نهج البلاغه مشتمل بر اصل کرامت، اصل محبت، اصل فروتنی و اصل تعقل است» (یدالهی و همکاران، ۱۳۹۷).

«مهم ترین آسیب تربیت معنوی دنیاگرایی براساس آموزه های نهج البلاغه است. دنیاگرایی مانع نیل انسان به مراتب کمال، رشد و تربیت معنوی بوده و باعث غفلت انسان از جایگاه انسانی خود خواهد شد. عواملی همچون لذت طلبی افراطی، حب دنیا، اشرافی گری کارگزاران حکومتی، انکار معاد، عطش تشنگان دنیا، مستی ناشی از نعمت، نیرنگ بازی دنیا و آزمندی زمینه دنیاگرایی را فراهم نموده و عوارض جبران ناپذیری را برای تربیت معنوی انسان به بار می آورد» (ورمزیار و همکاران، ۱۴۰۰).

«بزرگترین بخش نهج البلاغه بخش مواظ است. عناصر موعظه ای نهج البلاغه مختلف و متنوع است که پرهیز از دنیا پرستی از جمله عناصری است که در مواظ نهج البلاغه بدانها توجه شده است..... آنچه از نظر اسلام و نهج البلاغه در رابطه انسان و دنیا افت و بیماری انسان تلقی می شود، تعلق و وابستگی انسان به دنیا است نه علاقه و ارتباط او به دنیا. هدف و مقصد قرار گرفتن دنیا است نه وسیله و راه واقع شدن آن» (مطهری، ۱۳۵۴).

سوالات اصلی پژوهش حاضر عبارتند از:

* امام علی (ع) در خطبه های نهج البلاغه چگونه موضوع دنیا و آخرت را توصیف، معرفی و ترسیم نموده است؟
* چگونه می توان مدلی جامع در خصوص تبیین موضوع دنیا و آخرت از زبان امام علی (ع) براساس خطبه های نهج البلاغه ارائه داد؟

سوالات فرعی پژوهش حاضر عبارتند از:

* چه بخشی از خطبه های نهج البلاغه اختصاص به موضوع دنیا و آخرت داشته است؟
* تعداد عناوین مورد بررسی در خطبه های نهج البلاغه درباره دنیا و آخرت چگونه است؟
* تعداد عناوین مورد بررسی در زمینه دنیا و آخرت به چه مباحثی پرداخته اند؟
* چگونه می توان موضوعات اصلی مطرح شده در عناوین مورد بررسی در خصوص دنیا و آخرت را دسته بندی و فهرست نویسی کرد؟

روش تحقیق:

باتوجه به هدف تحقیق، نوع پژوهش براساس «استفاده از منابع موجود» (مطالعه کتابخانه ای یا اسنادی) و روش گردآوری اطلاعات «روش تحلیل محتوا» در نظر گرفته شد. مراحل تحقیق حاضر به صورت ذیل انجام گرفته است:

الف) مراجعه به منابع و فهرس موضوعی نهج البلاغه در راستای شناسایی اولیه موارد مربوط به موضوع دنیا و آخرت:

- (۱) تصنیف نهج البلاغه اثر لبیب بیضون
- (۲) الهادی الی موضوعات نهج البلاغه تألیف آیه اله مشکینی
- (۳) الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه، تألیف علی انصاریان
- (۴) المعجم الموضوعی لنهج البلاغه اثر اویس کریم محمد
- (۵) بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه اثر شیخ محمد تقی شوشتری
- (۶) الکتاب المعجم لموضوعات نهج البلاغه اثر سید کاظم ارفع
- (۷) شرح نهج البلاغه صبحی صالح

(ب) استخراج موارد معرفی «دنیا و آخرت در نهج البلاغه» بر حسب منابع وفهارس موضوعی نهج البلاغه: براساس منابع مورد بررسی ، در مجموع تعداد ۶۸ خطبه در بخش «دنیا و آخرت» در نهج البلاغه شناسایی شد. پس از بررسی کامل خطبه های شناسایی شده ، تعداد ۲۱ خطبه خارج از موضوع تحقیق ارزیابی و در پایان تعداد ۴۷ خطبه نهایی شده اند.

(ج) مطالعه، فیش برداری و فهرست نویسی نهایی و جامع در خصوص معرفی «دنیا و آخرت» در نهج البلاغه بر حسب ۴۷ خطبه.

(د) نگارش نهایی گزارش تحلیل داده های تحقیق براساس ۴۷ خطبه معرفی «دنیا و آخرت در نهج البلاغه» بر اساس ترجمه فارسی فیض الاسلام.

یافته ها:

- (۱) خطبه ۲۳: «إِنَّ الْمَالَ وَالْبَنِينَ حَرْثُ الدُّنْيَا، وَالْعَمَلَ الصَّالِحَ حَرْثُ الْآخِرَةِ، وَقَدْ يَجْمَعُهُمَا اللَّهُ لِأَقْوَامٍ، فَاحْذَرُوا مِنْ اللَّهِ مَا حَذَرَكُمْ مِنْ نَفْسِهِ، وَأَخْشَوْهُ خَشْيَةً لَيْسَتْ بِتَعْذِيرٍ» (فراز ۴)
- * بیان نسبت بین دنیا و آخرت (مال و اولاد دنیا متاع آخرت است)
- (۲) خطبه ۲۸: «أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ أَدْبَرَتْ، وَأَذْنَتْ يَوْذَاعٍ، وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ، وَأَشْرَفَتْ بِاطِّلَاعٍ، أَلَا وَإِنَّ الْيَوْمَ الْمِضْمَارَ، وَغَدًا السَّبَّاقَ، وَالسَّبْقَةَ الْجَنَّةَ، وَالْعَايَةَ النَّارَ» (فراز ۱ و ۲)
- * چستی نسبت بین دنیا و آخرت (شش نکته)
- «وَإِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ: اتِّبَاعُ الْهَوَى، وَطُولُ الْأَمَلِ، تَزَوُّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْزُرُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا» (فراز ۹)
- * وظیفه ما در قبال دنیا (توشه برداشتن برای آخرت)
- (۳) خطبه ۳۲ (در شکایت اهل زمان): «وَلَيْسَ الْمَتَجَرُّ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ ثَمَنًا، وَمِمَّا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عَوَاضًا وَمِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ، وَلَا يَطْلُبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا» (فراز ۵ و ۶)
- * بیان و معرفی چهار صنف و گروه مردم
- «فَلْتَكُنِ الدُّنْيَا أَصْغَرَ فِي أَعْيُنِكُمْ مِنْ حُثَالَةِ الْفَرَطِ، وَقَرَّاضَةِ الْجَلَمِ، وَاتَّعِظُوا بِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَتَّعِظَ بِكُمْ مَنْ بَعْدَكُمْ، وَارْقُضُوهَا دَمِيمَةً، فَإِنَّهَا قَدْ رَفَضَتْ مَنْ كَانَ أَشْغَفَ بِهَا مِنْكُمْ» (فراز ۱۲)
- * وظیفه ما در قبال دنیا (سه وظیفه)
- * ضرورت پندگیری از گذشتگان
- (۴) خطبه ۴۲: «أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ وَلَتْ حَذَاءً، فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صَبَابَةٌ كَصَبَابَةِ الْإِنَاءِ اصْطَبَّهَا صَائِبُهَا، أَلَا وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ، وَلِكُلِّ مِنْهُمَا بَنُونَ، فَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ، وَلَا تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا، فَإِنَّ كُلَّ وَلَدٍ سَيَلْحَقُ بِأَبِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَإِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابَ وَغَدًا حِسَابٌ وَلَا عَمَلَ» (فراز ۲ تا ۴)
- * بیان نسبت بین دنیا و آخرت (چهار نکته)
- * وظیفه ما در قبال دنیا (از فرزندان آخرت باشیدنه از فرزندان دنیا)

*ضرورت وظیفه مذکور (دررزوقیامت هرفرزندی به مادرش ملحق می شود)

*بیان نسبت بین دنیا و آخرت(فراز ۴)

۵) خطبه ۴۵ (در مذمت دنیا): «وَالدُّنْيَا دَارٌ مُنَىٰ لَهَا الْفَنَاءُ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا هِيَ، وَهِيَ حُلُوهٌ خَضِرَةٌ، قَدْ عَجَلَتْ لِلطَّالِبِ، وَالتَّبَسَّتْ بِقَلْبِ النَّاطِرِ؛ فَارْتَحِلُوا مِنْهَا بِأَحْسَنِ مَا يَحْضُرُتُكُمْ مِنَ الزَّادِ، وَلَا تَسْأَلُوا فِيهَا فَوْقَ الْكَفَافِ، وَلَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَكْثَرَ مِنَ الْبَلَاغِ» (فراز ۲ و ۳)

*درتوصیف و چیستی دنیا(پنج مشخصه)

*وظیفه ما درقبال دنیا(سه وظیفه)

۶) خطبه ۵۲ (در بیان بی وفایی دنیا و ترغیب به آخرت): «أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَصَرَّعَتْ، وَآذَنْتْ بِانْقِضَاءِ، وَتَنَكَّرَ مَعْرِفُوهَا، وَأَدْبَرَتْ حَدَاءَ، فَهِيَ تَحْفَرُ بِالْفَنَاءِ سُكَّانَهَا، وَتَحْدُو بِالْمَوْتِ حَيْرَانَهَا، وَقَدْ أَمَرَ فِيهَا مَا كَانَ حُلُوهًا، وَكَدِرَ مِنْهَا مَا كَانَ صَفْوَةً، فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا سَمَلَةٌ كَسَمَلَةِ الْإِدَاوَةِ، أَوْ جُرْعَةٌ كَجُرْعَةِ الْمَقْلَةِ، لَوْ تَمَزَّزَهَا الصَّدْيَانُ لَمْ يَنْفَعْ، فَأَزْمِعُوا عِبَادَ اللَّهِ الرَّحِيلَ عَنْ هَذِهِ الدَّارِ الْمَقْدُورِ عَلَى أَهْلِهَا الزَّوَالِ، وَلَا يَغْلِبَنَّكُمْ فِيهَا الْأَمَلُ، وَلَا يَطْوِلَنَّ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ.» (فراز ۱ تا ۳)

*درتوصیف و چیستی دنیا(فراز ۱ و ۲، ده نکته)

*وظیفه ما درقبال دنیا(فراز سه، سه وظیفه): آماده شدن برای کوچ از دنیا

۷) خطبه ۶۲ (در بیان دل نبستن به دنیای فانی): «أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسَلَمُ مِنْهَا إِلَّا فِيهَا، وَلَا يُنْجَى بِشَيْءٍ كَانَ لَهَا» (فراز ۱)

*درتوصیف و چیستی دنیا(دو نکته)

۸) خطبه ۶۳ (در توصیه به تقوی و نکوکاری در دنیا): «وَعَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ لَهُمْ بِدَارٍ فَاسْتَبْدَلُوا؛ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا، وَلَمْ يَتْرُكْكُمْ سُدىً» (فراز ۳)

*تقوی: پیش زمینه موضوع دنیاشناسی

*وظیفه ما در قبال دنیا(یک نکته)

*ضرورت وظیفه موردنظر

«فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا، مِنَ الدُّنْيَا، مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا.» (فراز ۸)

*وظیفه ما درقبال دنیا:توشه برداری برای آخرت.

۹) خطبه ۸۱ (در بیان صفت ومذمت دنیا): «مَا أَصْفُ مِنْ دَارٍ أَوْلَاهَا عَنَاءٌ! وَآخِرُهَا فَنَاءٌ! فِي حَالِهَا حِسَابٌ، وَفِي حَرَامِهَا عِقَابٌ. مِنْ اسْتَعْنَى فِيهَا فِتْنًا، وَمِنْ افْتَقَرَ فِيهَا حَزَنًا، وَمِنْ سَاعَاَهَا فَاتَتْهُ، وَمِنْ قَعَدَ عَنْهَا وَاتَتْهُ، وَمَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَرَتَهُ، وَمَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ» (فراز ۱ تا ۳)

*درتوصیف و چیستی دنیا(هشت نکته)

۱۰) خطبه ۸۲ (خطبه غراء) (بی وفایی وتنفر از دنیا): «فَإِنَّ الدُّنْيَا رَنَقٌ مَشْرَبُهَا، رَدَغٌ مَشْرَعُهَا، يُونِقُ مَنْظَرُهَا، وَيُوبِقُ مَخْبَرُهَا، غُرُورٌ حَائِلٌ، وَضَوْءٌ آفِلٌ، وَظِلٌّ زَائِلٌ، وَسَنَادٌ مَائِلٌ، حَتَّى إِذَا أَنْسَ نَافِرُهَا، وَأَطْمَأَنَّ نَاكِرُهَا، قَمَصَتْ بِأَرْجُلِهَا، وَقَنَصَتْ بِأَحْبِلِهَا، وَأَقْصَدَتْ بِأَسْهُمِهَا، وَأَعْلَقَتْ الْمَرْءَ أَوْهَاقَ الْمَنِيَّةِ قَائِدَةً لَهُ إِلَى ضَنْكِ الْمَضْجَعِ، وَوَحْشَةِ الْمَرْجِعِ، وَمُعَايِنَةِ الْمَحَلِّ، وَثَوَابِ الْعَمَلِ، وَكَذَلِكَ الْخَلْفُ بَعْقِبِ السَّلَفِ، لَا تَقْلَعُ الْمَنِيَّةُ اخْتِرَامًا، وَلَا يَرْعَوِي الْبَاقُونَ اجْتِرَامًا، يَحْتَدُونَ مِثْلًا، وَيَمْضُونَ أَرْسَالًا، إِلَى غَايَةِ الْإِنْتِهَاءِ، وَصَيُورِ الْفَنَاءِ» (فراز ۵ تا ۸)

*تقوی: پیش زمینه موضوع دنیا

*درتوصیف و چیستی دنیا(ده نکته)

*نسبت بین دنیا و آخرت(مرگ)(فراز ۷ و ۸)

۱۱) خطبه ۸۵ (موعظه نمودن مردم): «فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُ مِنْكُمْ فِي أَيَّامِ مَهَلِهِ، قَبْلَ إِرْهَاقِ أَجَلِهِ، وَفِي فَرَاغِهِ قَبْلَ أَوَانِ شُغْلِهِ، وَفِي مُتَنَفْسِهِ قَبْلَ أَنْ يُؤْخَذَ بِكَطْمِهِ، وَلْيَمْهَدْ لِنَفْسِهِ وَقْدَمِهِ، وَلْيَتَزَوَّدْ مِنْ دَارِ طَعْنِهِ لِدَارِ إِقَامَتِهِ» (فراز ۲)

*وظیفه ما درقبال دنیا (پنج وظیفه): آمادگی برای کوچ کردن، عمل کردن وتوشه برداشتن.

*سه ضرورت وظیفه موردنظر(قبل از سه چیز)

(۱۲) خطبه ۹۳ (موعظه نمودن مردم): «اعْمَلُوا، رَحِمَكُمُ اللَّهُ، عَلَى أَعْلَامٍ بَيِّنَةٍ فَالطَّرِيقُ نَهْجٌ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ، وَأَنْتُمْ فِي دَارٍ مُسْتَعْتَبٍ عَلَى مَهَلٍ وَقَرَاغٍ، وَالصَّحُفُ مَنَشُورَةٌ، وَالْأَقْلَامُ جَارِيَةٌ، وَالْأَبْدَانُ صَحِيحَةٌ، وَاللُّسُنُ مُطْلَقَةٌ، وَالتَّوْبَةُ مَسْمُوعَةٌ، وَالْأَعْمَالُ مَقْبُولَةٌ» (فراز ۹۸)

*وظیفه ما درقبال دنیا: عمل کردن

*ضرورت وظیفه مذکور (هشت مورد)

(۱۳) خطبه ۹۸ (دربیان بی وفایی به دنیا): «أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ لَكُمْ وَإِنْ لَمْ تُحِبُّوا تَرَكْهَا، وَالْمُبْلِيَةَ لِجَسَامِكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ تَجْدِيدَهَا، فَإِنَّمَا مَثَلُكُمْ وَمَثَلُهَا كَسَفَرٍ سَلَكَوا سَبِيلًا فَكَانَتْهُمْ قَدْ قَطَعُوهُ، وَأَمَّا عِلْمًا فَكَانَتْهُمْ قَدْ بَلَغُوهُ، وَكَمْ عَسَى الْمَجْرَى إِلَى الْعَايَةِ أَنْ يَجْرِيَ إِلَيْهَا حَتَّى يَبْلُغَهَا! وَمَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَقَاءُ مَنْ لَهُ يَوْمٌ لَا يَعُدُّهُ، وَطَالِبٌ حَثِيثٌ مِنَ الْمَوْتِ يَحْدُوهُ وَ مَزْعَجٌ فِي الدُّنْيَا حَتَّى يُفَارِقَهَا! فَلَا تَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَفَخْرِهَا، وَلَا تَعْجَبُوا بِزِينَتِهَا وَنَعِيمِهَا، وَلَا تَجْزَعُوا مِنْ ضَرَائِهَا وَبُؤْسِهَا، فَإِنْ عَزَّهَا وَفَخَّرَهَا إِلَى انْقِطَاعِ، وَزِينَتَهَا وَنَعِيمِهَا إِلَى زَوَالٍ، وَضَرَاءَهَا وَبُؤْسِهَا إِلَى نِفَادٍ، وَكُلُّ مَدَّةٍ فِيهَا إِلَى انْتِهَاءٍ، وَكُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى فَنَاءٍ. أَوَلَيْسَ لَكُمْ فِي آثَارِ الْأَوَّلِينَ مُزْدَجَرٌّ، وَفِي آثَانِكُمُ الْمَاضِينَ تَبَصُّرَةٌ وَمَعْتَبَرٌ، إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ! أَوَلَمْ تَرَوْا إِلَى الْمَاضِينَ مِنْكُمْ لَا يَرْجِعُونَ، وَإِلَى الْخَلْفِ الْبَاقِينَ لَا يَبْقَوْنَ! أَوَلَسْتُمْ تَرَوْنَ أَهْلَ الدُّنْيَا يُصْبِحُونَ وَيَمُوتُونَ عَلَى أَحْوَالٍ شَتَّى: فَمَيِّتٌ يَبْكِي، وَآخَرٌ يَعْزَى، وَصَرِيحٌ مَبْتَلَى، وَعَائِدٌ يَعُودُ، وَآخَرٌ بِنَفْسِهِ يَجُودُ، وَطَالِبٌ لِلدُّنْيَا وَالْمَوْتُ يَطْلُبُهُ، وَغَافِلٌ وَلَيْسَ بِمَعْقُولٍ عَنْهُ؛ وَعَلَى أَثَرِ الْمَاضِي مَا يَمْضِي الْبَاقِي!» (فراز ۹۶)

*وظیفه ما درقبال دنیا: وصیت حضرت به ترک (رها کردن) دنیا

*بیان ابعاد مختلف ضرورت وظیفه مذکور (فراز ۲ و ۳) (۸ نکته): مثال به داستان مسافر

*بیان سه وظیفه درقبال دنیا (فراز ۴)

*بیان توصیف و چیستی دنیا (پنج مورد) (فراز ۴)

*تاکید بر عبرت گرفتن از گذشتگان: دنیا عامل تبصره و اعتبار (فراز ۵) (۴ نکته)

*بیان ضرورت مطالب فراز ۴ (۱۱ نکته، فراز ۵ و ۶)

(۱۴) خطبه ۱۰۲ (در بی وفایی دنیا و تشویق به زهد در دنیا): «أَيُّهَا النَّاسُ، انْظُرُوا إِلَى الدُّنْيَا نَظْرَ الزَّاهِدِينَ فِيهَا، الصَّادِقِينَ عَنْهَا، فَإِنَّهَا وَاللَّهِ عَمَّا قَلِيلٍ تُزِيلُ الثَّوَى السَّائِكِينَ، وَتَفْجَعُ الْمُتَرَفِّعَ الْأَمِنَ، لَا يَرْجِعُ مَا تَوَلَّى مِنْهَا فَادْبَرُ، وَلَا يُدْرِي مَا هُوَ أَتٍ مِنْهَا فَيَنْتَظِرُ. سُرُورُهَا مَشُوبٌ بِالْحُزْنِ، وَجِلْدُ الرِّجَالِ فِيهَا إِلَى الضَّعْفِ وَالْوَهْنِ، فَلَا يَغُرَّتْكُمْ كَثْرَةُ مَا يَعْجِبُكُمْ فِيهَا لِقَلَّةِ مَا يَصْحَبُكُمْ مِنْهَا. رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا تَفَكَّرَ فَاعْتَبَرَ، وَاعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ، فَكَانَ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الدُّنْيَا عَنْ قَلِيلٍ لَمْ يَكُنْ، وَكَانَ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الْآخِرَةِ عَمَّا قَلِيلٍ لَمْ يَزَلْ، وَكُلُّ مَعْدُودٍ مَنْقُصٌ، وَكُلُّ مُتَوَقِّعٍ أَتٍ، وَكُلُّ أَتٍ قَرِيبٌ دَانٌ» (فراز ۴ تا ۱)

*خطاب به مردم

*وظیفه مادرچگونگی نگاه ما به دنیا : نگاه کسی که از دنیا اعراض و دوری نموده (فراز ۱)

*ضرورت نگاه درست به دنیا (هشت ضرورت) (فراز ۱ تا ۳)

*وظیفه ما: تفکر به همراه عبرت و بصیرت

*بیان چهار ضرورت درخصوص اهمیت تفکر (فراز ۴)

«وَإِنَّ مِنْ أَعْضَى الرِّجَالِ إِلَى اللَّهِ لَعَبْدٌ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ، جَائِرٌ عَنْ قَصْدِ السَّبِيلِ، سَائِرًا بَغَيْرِ دَلِيلٍ، إِنْ دُعِيَ إِلَى حَرْثِ الدُّنْيَا عَمِلَ، وَإِنْ دُعِيَ إِلَى حَرْثِ الْآخِرَةِ كَسَلَ! كَانَ مَا عَمِلَ لَهُ وَاجِبٌ عَلَيْهِ، وَكَانَ مَا وَتَى فِيهِ سَاقِطٌ عَنْهُ!» (فراز ۶ و ۷)

*دشمن ترین مردان نزد خدا از منظر چگونگی نسبت بین دنیا و آخرت

(۱۵) خطبه ۱۰۵ (ویژگی های اسلام): «وَالدُّنْيَا مِضْمَارَةٌ، وَالْقِيَامَةُ حَلَبَتُهُ، وَالْجَنَّةُ سُبْقَتُهُ» (فراز ۴)

*بیان چگونگی نسبت بین اسلام و دنیا

(۱۶) خطبه ۱۰۸: «أَقْبَلُوا عَلَى حَيْفَةٍ قَدْ افْتَضَحُوا بِأَكْلِهَا، وَاصْطَلَحُوا عَلَى حُبِّهَا، وَمَنْ عَشِقَ شَيْئًا أَعَشَى بَصَرَهُ، وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ، فَهُوَ يَنْظُرُ بِعَيْنٍ غَيْرِ صَحِيحَةٍ، وَيَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ، قَدْ خَرَقَتْ الشَّهَوَاتُ عَقْلَهُ، وَأَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ، وَوَلِهَتْ عَلَيْهَا نَفْسَهُ، فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا، وَلَمْ يَنْفِ يَدِيهِ

شَيْءٌ مِنْهَا، حَيْثُمَا زَالَتْ زَالَ إِلَيْهَا، وَحَيْثُمَا أَقْبَلَتْ أَقْبَلَ عَلَيْهَا؛ لَا يَنْزَجِرُ مِنَ اللَّهِ بِزَاجِرٍ، وَلَا يَتَّعِظُ مِنْهُ بِوَاعِظٍ، وَهُوَ يَرَى الْمَأْخُودِينَ عَلَى الْعُرَّةِ، حَيْثُ لَا إِقَالَهَ وَلَا رَجْعَةَ، كَيْفَ نَزَلَ بِهِمْ مَا كَانُوا يَجْهَلُونَ، وَجَاءَهُمْ مِنْ فِرَاقِ الدُّنْيَا مَا كَانُوا يَأْمَنُونَ، وَقَدِمُوا مِنَ الْآخِرَةِ عَلَى مَا كَانُوا يُوعَدُونَ» (فراز ۱۳ و ۱۴)

* ظهور اسلام و واکنش دنیوی و ارتجاعی برخی به دنیا (برخی به دنیا رو آوردند و... بنده دنیا شدن)

«منها فی ذکر النبی صلی الله علیه وآله: قَدْ حَقَّرَ الدُّنْيَا وَصَغَّرَهَا، وَأَهْوَنَ بِهَا وَهَوَّنَهَا، وَعَلِمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى زَوَّاهَا عَنْهُ اخْتِيارًا، وَبَسَطَهَا لِغَيْرِهِ احْتِقَارًا، فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بِقَلْبِهِ، وَأَمَاتَ ذِكْرَهَا عَنْ نَفْسِهِ، وَأَحَبَّ أَنْ تَغِيبَ زِينَتُهَا عَنْ عَيْنِهِ، لِكَيْلَا يَتَّخِذَ مِنْهَا رِبَاشًا، أَوْ يَرْجُو فِيهَا مَقَامًا.» (فراز ۳۱ و ۳۲)

* بیان نسبت بین پیامبر(ص) و دنیا(پارسیایی پیامبر(ص))

۱۷) خطبه ۱۱۰ (در مذمت دنیا و دوری کردن از آن): «أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي أَحَذَّرُكُمْ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا حُلُوهٌ خَصِيرَةٌ، حَفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ، وَتَحَبَّبَتْ بِالْعَاجِلَةِ، وَرَاقَتْ بِالْقَلِيلِ، وَتَحَلَّتْ بِالْأَمَالِ، وَتَزَيَّنَتْ بِالْعُرُورِ» (فراز ۱)

* وظیفه ما نسبت به دنیا: شمارا نسبت به دنیا بر حذر می دارم (اعراض و دوری از دنیا)

* بیان شش توصیف و چپستی دنیا در بیان ضرورت بر حذر داشتن از دنیا

«لَا تَدُومُ حَبْرَتُهَا، وَلَا تُؤْمَنُ فَجَعَتُهَا، غَرَارَةٌ ضَرَّارَةٌ، حَائِلَةٌ زَائِلَةٌ، نَافِذَةٌ بَائِدَةٌ، أَكَالَةٌ غَوَالَةٌ، لَا تَعْدُو. إِذَا تَنَاهَتْ إِلَى أُمْنِيَّةِ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِيهَا وَالرَّضَاءِ بِهَا - أَنْ تَكُونَ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى سُبْحَانَهُ: (كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا). لَمْ يَكُنْ أَمْرٌ مِنْهَا فِي حَبْرَةٍ إِلَّا أَغْبَتَهُ بَعْدَهَا عِبْرَةٌ، وَلَمْ يَلْقَ مِنْ سَرَائِهَا بَطْنًا إِلَّا مَنَحَتْهُ مِنْ ضَرَائِهَا ظَهْرًا، وَلَمْ تَطْلُغْ فِيهَا دِيمَةٌ رَخَاءً إِلَّا هَتَنْتَ عَلَيْهِ مُزْنَةً بِلَاءٍ! وَحَرَى إِذَا أَصْبَحَتْ لَهُ مُنْتَصِرَةٌ أَنْ تُمَسِيَ لَهُ مُتَنَكِّرَةٌ، وَإِنْ جَانِبَ مِنْهَا اِعْذُوبٌ وَاحِلُولِي، أَمَرٌ مِنْهَا جَانِبٌ فَأَوْبَى! لَا يَنَالُ أَمْرٌ مِنْ غَضَارَتِهَا رَغْبًا، إِلَّا أَرْهَقَتْهُ مِنْ نَوَائِبِهَا تَعَبًا! وَلَا يُمَسِي مِنْهَا فِي جَنَاحِ أَمْنٍ، إِلَّا أَصْبَحَ عَلَى قَوَادِمِ خَوْفٍ! غَرَارَةٌ، غُرُورٌ مَا فِيهَا، فَنِيَّةٌ، فَإِنْ مِنْ عَلَيْهَا، لَا خَيْرَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَزْوَادِهَا إِلَّا التَّقْوَى. مَنْ أَقَلَّ مِنْهَا اسْتَكْثَرَ مِمَّا يُؤْمِنُهُ! وَمَنْ اسْتَكْثَرَ مِنْهَا اسْتَكْثَرَ مِمَّا يُؤْبِقُهُ، وَزَالَ عَمَّا قَلِيلٍ عَنْهُ. كُمْ مِنْ وَاتَّقِ بِهَا قَدْ فَجَعَتْهُ، وَذِي طُمَأْنِينَةٍ إِلَيْهَا قَدْ صَرَعَتْهُ، وَذِي آيَةٍ قَدْ جَعَلَتْهُ حَقِيرًا، وَذِي نَخْوَةٍ قَدْ رَدَّتْهُ ذَلِيلًا! سُلْطَانُهَا دَوْلٌ، وَعَيْشُهَا رِنَقٌ، وَعَذِيبُهَا أَجَاجٌ، وَحُلُوهَا صَبْرٌ، وَغِذَاؤُهَا سِمَامٌ، وَأَسْبَابُهَا رِمَامٌ! حَيْثُهَا بَعْرَضَ مَوْتُ، وَصَحِيحُهَا بَعْرَضَ سَقَمٌ! مُلْكُهَا مَسْلُوبٌ، وَعَزِيزُهَا مَغْلُوبٌ، وَمَوْفُورُهَا مَنَكُوبٌ، وَجَارُهَا مَحْرُوبٌ. أَلَسْتُمْ فِي مَسَاكِينِ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَطْوَلَ أَعْمَارًا، وَأَبْقَى آثَارًا، وَأَبْعَدَ أَمَالًا، وَأَعَدَّ عَدِيدًا، وَأَكْثَفَ جُنُودًا! تَعَبِدُوا لِلدُّنْيَا أَى تَعَبُدْ، وَأَثَرُهَا أَى إِثَارٌ، ثُمَّ طَعَفُوا عَنْهَا بَغَيْرِ زَادٍ مُبْلَغٍ وَلَا ظَهْرِ قَاطِعٍ. فَهَلْ بَلَغَكُمْ أَنَّ الدُّنْيَا سَخَتْ لَهُمْ نَفْسًا بَعْدِيَّةً؟ أَوْ أَعَانَتْهُمْ بِمَعُونَةٍ؟ أَوْ أَحَسَّنَتْ لَهُمْ صُحْبَةً! بَلْ أَرْهَقَتْهُمْ بِالْقَوَادِحِ، وَأَوْهَنْتَهُمْ بِالْقَوَارِعِ، وَضَعُضَتْهُمْ بِالنَّوَائِبِ، وَعَفَّرَتْهُمْ لِلْمَنَاحِرِ، وَوَطَّئَتْهُمْ بِالْمَنَاسِمِ، وَأَعَانَتْ عَلَيْهِمْ (رَيْبَ الْمُنُونِ)، فَقَدْ رَأَيْتُمْ تَنْكِرَهَا لِمَنْ دَانَ لَهَا، وَأَثَرَهَا وَأَخْلَدَ إِلَيْهَا، حِينَ طَعَفُوا عَنْهَا لِفِرَاقِ الْأَبَدِ. هَلْ زَوَدَتْهُمْ إِلَّا السَّغْبُ، أَوْ أَحَلَّتْهُمْ إِلَّا الضَّنْكَ، أَوْ نَوَّرَتْ لَهُمْ إِلَّا الظُّلْمَةُ، أَوْ أَغْبَتَتْهُمْ إِلَّا النَّدَامَةُ، أَفْهَذِهِ تُؤَثِّرُونَ، أَمْ إِلَيْهَا تَطْمَئِنُّونَ، أَمْ عَلَيْهَا تَحْرِصُونَ، فَبُنِيتِ الدَّارَ لِمَنْ لَمْ يَتَّهَمْهَا، وَلَمْ يَكُنْ فِيهَا عَلَى وَجَلٍ مِنْهَا! فَاعْلَمُوا - وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ - بَأَنِّكُمْ تَارِكُوهَا وَظَاعِنُونَ عَنْهَا، وَأَتَعَطُّوا فِيهَا بِالذِّينِ (قَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً): حَمَلُوا إِلَى قُبُورِهِمْ فَلَا يَدْعُونَ رُكْبَانًا، وَأَنْزَلُوا الْأَجْدَاثَ فَلَا يَدْعُونَ صِيفَانًا» (فراز ۲۰ تا ۲۰)

* توصیف راغبین به دنیا (فراز ۳)

* بیان ۳۶ نکته در توصیف و چپستی دنیا (فراز ۲ و هم چنین فرازهای ۴ تا ۱۱)

* عبرت از گذشتگان در فانی بودن دنیا (فراز ۱۲ تا ۱۹) (۲۹ نکته)

* وظیفه ما نسبت به دنیا (دومورد: پس بدانید/ پس پندگیرید) (فراز ۲۰) (۴ نکته)

۱۸) خطبه ۱۱۲ (در مذمت دنیا و ترغیب به آخرت): «وَأَحَذَّرُكُمْ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا مَنْزِلُ قُلْعَةٍ، وَلَيْسَتْ بِدَارِ نَجْعَةٍ، قَدْ تَزَيَّنَتْ بِغُرُورِهَا، وَغَرَّتْ بِزِينَتِهَا، دَارُهَا هَانَتْ عَلَى رَبِّهَا، فَخَلَطَ حَلَالُهَا بِحَرَامِهَا، وَخَيْرُهَا بِشَرِّهَا، وَحَيَاتُهَا بِمَوْتِهَا، وَحُلُوهَا بِمُرِّهَا. لَمْ يُصِفْهَا اللَّهُ تَعَالَى لِأَوْلِيَائِهِ، وَلَمْ يَضِنَّ بِهَا عَلَى أَعْدَائِهِ، خَيْرُهَا زَهِيدٌ، وَشَرُّهَا عَتِيدٌ، وَجَمْعُهَا يَنْفَدُ، وَمُلْكُهَا يَسْلُبُ، وَعَامِرُهَا يَخْرُبُ. فَمَا خَيْرٌ دَارٍ تَنْقُصُ نَقْصُ الْبِنَاءِ، وَعَمِيرٌ

يَفْنَى فَنَاءَ الزَّادِ، وَمُدَّةُ تَنْقَطِعِ السَّيْرِ! اجْعَلُوا مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبَتِكُمْ، وَأَسْأَلُوهُ مِنْ أَدَاءِ حَقِّهِ مَا سَأَلَكُمْ. وَأَسْمِعُوا دَعْوَةَ الْمَوْتِ أَذَانَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَدْعَى بِكُمْ» (فراز ۱ تا ۶)

*وظیفه ما نسبت به دنیا: شمارنسبت به دنیا برحذر می دارم (اعراض و دوری از دنیا)

*بیان توصیف و چپستی دنیا در بیان ضرورت برحذرداشتن از دنیا (۱۶مشخصه، فرازهای ۵ تا ۱۸)

*بیان وظیفه ما نسبت به دنیا(سه مورد)

۱۹) خطبه ۱۱۳ (در اندرز به مردم): «ثُمَّ إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ، وَعَنَاءٍ، وَغَيْرٍ، وَعَبْرٍ: فَمِنْ الْفَنَاءِ أَنَّ الدَّهْرَ مُوتَرٌ قَوْسُهُ، لَا تُخْطِئُ سَهْمَهُ، وَلَا تُؤْسِي جِرَاحَهُ، يَرْمِي الْحَيَّ بِالْمَوْتِ، وَالصَّحِيحَ بِالسَّقَمِ، وَالنَّاجِيَ بِالْعَطْبِ، آكِلٌ لَا يَشْبَعُ، وَشَارِبٌ لَا يَنْقَعُ. وَمِنْ الْعَنَاءِ أَنَّ الْمَرْءَ يَجْمَعُ مَا لَا يَأْكُلُ، وَيَبْنِي مَا لَا يَسْكُنُ، ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى اللَّهِ، لَا مَالًا حَمَلَ، وَلَا بَنَاءً نَقَلَ! وَمِنْ غَيْرِهَا أَنَّكَ تَرَى الْمَرْحُومَ مَغْبُوطًا، وَالْمَغْبُوطَ مَرْحُومًا، لَيْسَ ذَلِكَ إِلَّا نَعِيمًا زَلَّ، وَبُؤْسًا نَزَلَ. وَمِنْ غَيْرِهَا أَنَّ الْمَرْءَ يَشْرِفُ عَلَى أَمَلِهِ فَيَقْطَعُهُ حُضُورُ أَجَلِهِ، فَلَا أَمَلٌ يَدْرِكُ، وَلَا مُؤْمَلٌ يَتْرَكَ» (فراز ۱۰ تا ۱۳)

*بیان توصیف و چپستی دنیا(چهارویژگی اصلی فنا، مشقت، دگرگونی و عبرت و ۲۱وصف)

«إِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ بِشَرٍّ مِنَ الشَّرِّ إِلَّا عِقَابُهُ، وَلَيْسَ شَيْءٌ بِخَيْرٍ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا ثَوَابُهُ، وَكُلُّ شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا سَمَاعُهُ أَعْظَمُ مِنْ عِيَانِهِ، وَكُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْآخِرَةِ عِيَانُهُ أَعْظَمُ مِنْ سَمَاعِهِ، فَلْيَكْفِكُمْ مِنَ الْعِيَانِ السَّمَاعُ، وَمِنْ الْغَيْبِ الْخَبَرُ. وَاعْلَمُوا أَنَّ مَا نَقَصَ مِنَ الدُّنْيَا وَزَادَ فِي الْآخِرَةِ خَيْرٌ مِمَّا نَقَصَ مِنَ الْآخِرَةِ وَزَادَ فِي الدُّنْيَا: فَكُمْ مِنْ مَنْقُوصٍ رَاجِحٍ وَمَزِيدٍ خَاسِرٍ!» (فراز ۱۶ تا ۱۸)

*بیان نسبت بین دنیا و آخرت(نه نکته)

۲۰) خطبه ۱۲۸: «أَنَا كَابُ الدُّنْيَا لَوَجْهِهَا، وَقَادِرُهَا بِقَدْرِهَا، وَنَاطِرُهَا بِعَيْنِهَا» (فراز ۳)

*بیان نسبت بین امام علی(ع) و دنیا(سه نکته)

۲۱) خطبه ۱۲۹: «عِبَادَ اللَّهِ، إِنَّكُمْ - وَمَا تَأْمَلُونَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا - أَثَوِيَاءُ مُؤَجَّلُونَ، وَمَدِينُونَ مُقْتَضُونَ: أَجَلٌ مَنْقُوصٌ، وَعَمَلٌ مَحْفُوظٌ» (فراز ۱)

*توصیف و چپستی دنیا: نسبت بندگان خدا و دنیا (۴ وضعیت)

۲۲) خطبه ۱۳۲ (دربی وفایی به دنیا و وصیت به نقوی): «فَإِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَخْلُقْ لَكُمْ دَارَ مَقَامٍ، بَلْ خَلَقَتْ لَكُمْ مَجَازًا لِنَزْوَدُوا مِنْهَا الْأَعْمَالَ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ؛ فَكُونُوا مِنْهَا عَلَى أَوْفَازٍ، وَقَرَّبُوا الظُّهُورَ لِلزَّيَالِ» (فراز ۸)

*نقوی: پیش زمینه موضوع دنیا

*بیان توصیف و چپستی دنیا(سه نکته)

*وظیفه ما نسبت به دنیا(دو نکته)

۲۳) خطبه ۱۳۳: «وَأِنَّمَا الدُّنْيَا مَنْتَهَى بَصَرِ الْأَعْمَى، لَا يَبْصُرُ مِمَّا وَرَاءَهَا شَيْئًا، وَالْبَصِيرُ يَنْفِذُهَا بَصَرُهُ، وَيَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَرَاءَهَا. فَالْبَصِيرُ مِنْهَا شَاخِصٌ، وَالْأَعْمَى إِلَيْهَا شَاخِصٌ، وَالْبَصِيرُ مِنْهَا مُتَزَوِّدٌ، وَالْأَعْمَى لَهَا مُتَزَوِّدٌ» (فراز ۷ تا ۹)

*نسبت بین افرادبینا و کور با دنیا و آخرت(دنیا بینی و آخرت طلبی)

۲۴) خطبه ۱۴۲: «فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَا لَا فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ، وَلْيَحْسِنْ مِنْهُ الضِّيَافَةَ، وَلْيَفِكْ بِهِ الْأَسِيرَ وَالْعَانِي، وَلْيُعْطِ مِنْهُ الْفَقِيرَ وَالْغَارِمَ، وَلْيَصْبِرْ نَفْسَهُ عَلَى الْحَقُوقِ وَالنَّوَائِبِ، ابْتِغَاءَ الثَّوَابِ؛ فَإِنْ قُوزًا بِهِذِهِ الْخِصَالِ شَرَفُ مَكَارِمِ الدُّنْيَا، وَدَرَكُ فَضَائِلِ الْآخِرَةِ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ» (فراز ۲ و ۳)

*نسبت بین آدمی و اموال و بخشش آن با دنیا و آخرت

۲۵) خطبه ۱۴۵ (درمذمت و بی وفایی دنیا): «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّمَا أَنْتُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غَرَضٌ تَنْتَضِلُ فِيهِ الْمَنَایَا، مَعَ كُلِّ جَرَعَةٍ شَرَقٍ، وَفِي كُلِّ أَكْلَةٍ غَصَصٍ! لَا تَتَأَلَوْنَ مِنْهَا نِعْمَةً إِلَّا يَفِرَاقِي أُخْرَى، وَلَا يَعْمَرُ مَعْمَرٌ مِنْكُمْ يَوْمًا مِنْ عُمْرِهِ إِلَّا يَهْدِمُ آخَرَ مِنْ أَجَلِهِ، وَلَا تَجِدُدَ لَهُ زِيَادَةٌ فِي أَكْلِهِ إِلَّا بِنَفَادِ مَا قَبْلُهَا مِنْ رِزْقِهِ، وَلَا يَحْيَا لَهُ أَثَرٌ إِلَّا مَاتَ لَهُ أَثَرٌ، وَلَا يَتَجَدَّدُ لَهُ جَدِيدٌ إِلَّا بَعْدَ أَنْ يَخْلُقَ لَهُ جَدِيدٌ، وَلَا تَقُومُ لَهُ نَابِتَةٌ إِلَّا وَتَسْقُطُ مِنْهُ مَحْصُودَةٌ، وَقَدْ مَضَتْ أَصُولُ نَحْنُ فُرُوعُهَا، فَمَا بَقَاءُ فَرْعٍ بَعْدَ ذَهَابِ أَصْلِهِ!» (فراز ۱ تا ۴)

*خطاب به مردم

*توصیف و چپستی دنیا: بی وفایی دنیا (۱ نکته)

۲۶) خطبه ۱۵۵: «وَبِالْمَوْتِ تُخْتَمُ الدُّنْيَا، وَبِالدُّنْيَا تُحَرِّزُ الْآخِرَةُ» (فراز ۵)

*نسبت بین ایمان و دنیا

۲۷) خطبه ۱۵۶ (در اندرز و توصیه به تقوی و تهیه توشه آخرت): «أَلَا فَمَا يَصْنَعُ بِالدُّنْيَا مَنْ خَلِقَ لِلْآخِرَةِ! وَمَا يَصْنَعُ بِالْمَالِ مَنْ عَمَّا قَلِيلٍ يُسْلِبُهُ، وَتَبْقَى عَلَيْهِ تَبِعَتُهُ وَحِسَابُهُ!» (فراز ۹)

*نسبت بین دنیا و آخرت

۲۸) خطبه ۱۵۹ (فراز ۱۳ تا ۳۱): «وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -كَافَ لَكَ فِي الْأُسُوءَةِ، وَدَلِيلٌ لَكَ عَلَى ذَمِّ الدُّنْيَا وَعَيْبِهَا، وَكَثْرَةِ مَخَازِبِهَا وَمَسَاوِيهَا، إِذْ قُبِضَتْ عَنْهُ أَطْرَافُهَا، وَوُطِّتْ لِعِيره أَكْنَافُهَا، وَقُطِمَ مِنْ رَضَائِهَا، وَزَوِيَ عَنْ زَخَائِفِهَا.

موسی (علیه السلام): «وَإِنْ شِئْتَ تَنَبَّأْتُ بِمُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- إِذْ يَقُولُ: (رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ)، وَاللَّهُ، مَا سَأَلَهُ إِلَّا خُبْرًا يَأْكُلُهُ، لِأَنَّهُ كَانَ يَأْكُلُ بَقْلَةَ الْأَرْضِ، وَلَقَدْ كَانَتْ خُضْرَةُ الْبَقْلِ تَرَى مِنْ شَفِيفِ صِفَاقِ بَطْنِهِ، لِهَزَالِهِ وَتَشَدُّبِ لَحْمِهِ.»

داوود (علیه السلام): «وَإِنْ شِئْتَ ثَلَّثْتُ بِدَاوُدَ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- صَاحِبِ الْمَزَامِيرِ، وَقَارِيءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَلَقَدْ كَانَ يَعْمَلُ سَفَائِفَ الْخُوصِ بِيَدِهِ، وَيَقُولُ لِجُلَسَائِهِ: أَيُّكُمْ يَكْفِينِي بَيْعَهَا! وَيَأْكُلُ قُرْصَ الشَّعِيرِ مِنْ ثَمَنِهِ.»

عیسی (علیه السلام): «وَإِنْ شِئْتَ قُلْتُ فِي عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَقَدْ كَانَ يَتَوَسَّدُ الْحَجَرَ، وَيَلْبَسُ الْخَشِنَ، وَكَانَ إِدَامُهُ الْجُوعَ، وَسِرَّاجُهُ بِاللَّيْلِ الْقَمَرَ، وَظِلَالُهُ فِي الشِّتَاءِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَفَاقَهُتُهُ وَرِيحَانُهُ مَا تُنْبِتُ الْأَرْضُ لِلْبِهَائِمِ، وَلَمْ تَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ تَفْتِنُهُ، وَلَا وَلَدٌ يَحْزَنُهُ، وَلَا مَالٌ يَلْفِتُهُ، وَلَا طَمَعٌ يَذِلُّهُ، دَابَّتْهُ رَجُلَاهُ، وَخَادَمَتْهُ يَدَاهُ!»

الرسول الاعظم (صلی الله علیه و آله): «فَتَأَسَّ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- فَإِنْ فِيهِ أُسُوءَةٌ لِمَنْ تَأَسَّى، وَعَزَاءٌ لِمَنْ تَعَزَّى - وَأَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ، وَالْمُقْتَصِّ لِأَثَرِهِ. - قَضَمَ الدُّنْيَا قَضْمًا، وَلَمْ يَعْزُهَا طَرْفًا، أَهْضَمَ أَهْلَ الدُّنْيَا كَشْحًا، وَأَخْمَصَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا بَطْنًا، عُرِضَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا، وَعَلِمَ أَنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ أَبْغَضَ شَيْئًا فَأَبْغَضَهُ، وَحَقَّرَ شَيْئًا فَحَقَّرَهُ، وَصَغَّرَ شَيْئًا فَصَغَّرَهُ. وَلَوْ لَمْ يَكُنْ فِينَا إِلَّا حُبْنَا مَا أَبْغَضَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَتَعْظِيمُنَا مَا صَغَّرَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، لَكَفَى بِهِ شِقَاقًا لِلَّهِ. وَمُحَادَّةً عَنْ أَمْرِ اللَّهِ. وَلَقَدْ كَانَ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ، وَيَجْلِسُ جُلُوسَةَ الْعَبْدِ، وَيَخْصِفُ بِيَدِهِ نَعْلَهُ، وَيَرْقُوعُ بِيَدِهِ ثَوْبَهُ، وَيَرْكَبُ الْحِمَارَ الْعَارِيَّ، وَيُرْدِفُ خَلْفَهُ، وَيَكُونُ السِّتْرَ عَلَى بَابِ بَيْتِهِ فَتَكُونُ فِيهِ التَّصَاوِيرُ فَيَقُولُ: «يَا فَلَانَةُ - لِأَحَدِي أَزْوَاجِهِ - غَيْبِي عَنْي، فَإِنِّي إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ ذَكَرْتُ الدُّنْيَا وَزَخَائِفَهَا». فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بِقَلْبِهِ، وَأَمَاتَ ذِكْرَهَا مِنْ نَفْسِهِ، وَأَحَبَّ أَنْ تَغِيبَ زِينَتُهَا عَنْ عَيْنِهِ، لِكَيْلَا يَتَّخِذَ مِنْهَا رِيَاشًا، وَلَا يَعْتَقِدَهَا قَرَارًا، وَلَا يَرْجُو فِيهَا مَقَامًا، فَأَخْرَجَهَا مِنَ النَّفْسِ، وَأَشْخَصَهَا عَنِ الْقَلْبِ، وَغَيَّبَهَا عَنِ الْبَصَرِ. وَكَذَلِكَ مَنْ أَبْغَضَ شَيْئًا أَبْغَضَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ، وَأَنْ يَذْكُرَ عِنْدَهُ. وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- مَا يَدُلُّكَ عَلَى مَسَاوِيءِ الدُّنْيَا وَعَيْبِهَا: إِذْ جَاعَ فِيهَا مَعَ خَاصَّتِهِ، وَزَوَّيْتُ عَنْهُ زَخَائِفَهَا مَعَ عَظِيمِ زُلْفَتِهِ. فَلْيَنْظُرْ نَاطِرٌ بِعَقْلِهِ: أَكْرَمَ اللَّهُ مُحَمَّدًا بِذَلِكَ أَمْ أَهَانَهُ! فَإِنْ قَالَ: أَهَانَهُ، فَقَدْ كَذَبَ - وَاللَّهُ الْعَظِيمُ - بِالْإِفْكِ الْعَظِيمِ. وَإِنْ قَالَ: أَكْرَمَهُ، فَلْيَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهَانَ غَيْرَهُ حَيْثُ بَسَطَ الدُّنْيَا لَهُ، وَزَوَّاهَا عَنْ أَقْرَبِ النَّاسِ مِنْهُ. فَتَأَسَّى مُتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ، وَأَقْتَصَّ أَثَرَهُ، وَوَلَّجَ مَوْلَجَهُ، وَإِلَّا فَلَا يَأْمَنُ الْهَلَكَةَ، فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ مُحَمَّدًا -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- عَلَمًا لِلْسَّاعَةِ، وَمُبَشِّرًا بِالْجَنَّةِ، وَمُنْذِرًا بِالْعُقُوبَةِ. خَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا حَمِيصًا، وَوَرَدَ الْآخِرَةَ سَلِيمًا، لَمْ يَضَعْ حَجْرًا عَلَى حَجَرٍ، حَتَّى مَضَى لِسَبِيلِهِ، وَأَجَابَ دَاعِيَ رَبِّهِ. فَمَا أَعْظَمَ مَنَّةَ اللَّهِ عِنْدَنَا حِينَ أَنْعَمَ عَلَيْنَا بِهِ سَلَفًا نَتَّبِعُهُ، وَقَائِدًا نَطْلُقُ عَقْبَهُ! وَاللَّهُ لَقَدْ رَفَعَتْ مِدْرَعَتِي هَذِهِ حَتَّى اسْتَحْيَيْتُ مِنْ رَاقِعِهَا، وَلَقَدْ قَالَ لِي قَائِلٌ: أَلَا تَنْبِذُهَا عَنْكَ؟ فَقُلْتُ: اغْرُبْ عَنْي، فَعِنْدَ الصَّبَاحِ يَحْمَدُ الْقَوْمُ السُّرَى!

*اسوه حسنه و الگوبودن پیامبران در مذمت وزهد دنیا:

الف) موسی فراز ۱۴ و ۱۵ (۴ نکته)

ب) داوود فراز ۱۶ (سه نکته)

ج) عیسی (ع) فراز ۱۷ و ۱۸ (هفت نکته)

*الگوبودن پیامبر اسلام (ص) در مذمت وزهد دنیا (فراز ۱۳، فرازهای ۱۹ تا ۲۹) (۵۹ نکته) (فراز ۱۲)

*نتیجه گیری: منت خدادار خصوص اسوه بودن پیامبر اسلام (ص) (فراز ۳۰)

*نسبت امام علی(ع) و تاسی به پیامبر اسلام(ص) در باره موضوع زهد دنیا(فراز ۳۱)

(۲۹) خطبه ۱۶۰: «رَهَبَ فَأَلْبَغَ، وَرَغَبَ فَأَسْبَغَ، وَوَصَفَ لَكُمْ الدُّنْيَا وَأَنْقَطَاعَهَا، وَزَوَّالَهَا وَأَنْتِقَالَهَا. فَأَعْرِضُوا عَمَّا يُعْجِبُكُمْ فِيهَا لِقَلِّهِ مَا يَصْحَبُكُمْ مِنْهَا، أَقْرَبُ دَارٍ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ، وَأَبْعَدُهَا مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ! فَغَضُّوا عَنْكُمْ - عِبَادَ اللَّهِ - غُمُومَهَا وَأَشْغَالَهَا، لِمَا قَدْ أَيْقَنْتُمْ بِهِ مِنْ فِرَاقِهَا وَتَصَرُّفِ حَالَاتِهَا. فَاحْذَرُوا حَذَرَ الشَّفِيقِ النَّاصِحِ، وَالْمُجِدِّ الْكَادِحِ، وَاعْتَبِرُوا بِمَا قَدْ رَأَيْتُمْ مِنْ مَصَارِعِ الْقُرُونِ قَبْلَكُمْ: قَدْ تَزَايَلَتْ أَوْصَالُهُمْ، وَزَالَتْ أَسْمَاعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ، وَذَهَبَ شَرْفُهُمْ وَعِزُّهُمْ، وَأَنْقَطَعَ سُرُورُهُمْ وَنَعِيمُهُمْ فَبَدَلُوا بِقُرْبِ الْأَوْلَادِ فَقْدَهَا وَبِصَحْبَةِ الْأَزْوَاجِ مَفَارِقَتَهَا لَا يَتَفَاخَرُونَ وَلَا يَتَنَاسَلُونَ وَلَا يَتَزَاوَرُونَ وَلَا يَتَجَاوَرُونَ» (فراز ۱۳ تا ۹)

*تقوی: پیش زمینه موضوع دنیا

*نسبت بین خداوند متعال و دنیا(چهار نقش)(فراز ۹)

*وظایف ما نسبت به دنیا(چهار مورد)

*ضرورت آنها (۹ مورد)(فرازهای ۱۰ تا ۱۲)

*عبرت از گذشتگان(فراز ۱۲ و ۱۳)(۱۰ نکته)

(۳۰) خطبه ۱۶۴: «فَلَوْ رَمَيْتَ بِبَصَرِ قَلْبِكَ نَحْوَ مَا يُوصَفُ لَكَ مِنْهَا لَعَزَمْتَ نَفْسَكَ عَنْ بَدَائِعِ مَا أُخْرِجَ إِلَى الدُّنْيَا مِنْ شَهَوَاتِهَا وَلَذَاتِهَا، وَزَخَارِفِ مَنَاطِرِهَا، وَلَذَهَلَتْ بِالْفِكْرِ فِي اصْطِفَاقِ أَشْجَارٍ غَيَّبَتْ عُرُوقُهَا فِي كُثْبَانِ الْمِسْكِ عَلَى سَوَاحِلِ أَنْهَارِهَا، وَفِي تَعْلِيْقِ كَبَائِسِ اللَّوْلُؤِ الرُّطْبِ فِي عَسَالِيحِهَا وَأَفْنَانِهَا، وَطُلُوعِ تِلْكَ الْأَثْمَارِ مُخْتَلِفَةً فِي غُلْفِ أَكْمَامِهَا، تُجَنِّي مِنْ غَيْرِ تَكْلُفٍ فَتَأْتِي عَلَى مُنِيَّةٍ مُجْتَنِبِهَا» (فراز ۲۱ و ۲۲)

*نسبت بین دنیا و بهشت(پنج نکته)

(۳۱) خطبه ۱۷۲: «أَلَا وَإِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي أَصْبَحْتُمْ تَتَمَوَّنُهَا وَتَرَعْبُونَ فِيهَا، وَأَصْبَحَتْ تُغْضِبُكُمْ وَتَرْضِيكُمْ، لَيْسَتْ بِدَارِكُمْ، وَلَا مَنْزِلَكُمْ الَّذِي خُلِقْتُمْ لَهُ وَلَا الَّذِي دُعِيتُمْ إِلَيْهِ، أَلَا وَإِنَّهَا لَيْسَتْ بِبَاقِيَةٍ لَكُمْ وَلَا تَبْقُونَ عَلَيْهَا، وَهِيَ وَإِنْ غَرَّتْكُمْ مِنْهَا فَقَدْ حَذَرْتَكُمْ شَرَّهَا، فَدَعُوا غُرُورَهَا لِتَحْذِيرِهَا، وَأَطْمَاعَهَا لِتَخْوِيفِهَا، وَسَابِقُهَا فِيهَا إِلَى الدَّارِ الَّتِي دُعِيتُمْ إِلَيْهَا، وَأَنْصَرِفُوا بِقُلُوبِكُمْ عَنْهَا، وَلَا يَخَنَّ أَحَدُكُمْ خَيْنَ الْأَمَةِ عَلَى مَا زَوَى عَنْهُ مِنْهَا، وَاسْتَتَمُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَالْمَحَافَظَةِ عَلَى مَا اسْتَحْفَظَكُمْ مِنْ كِتَابِهِ. أَلَا وَإِنَّهُ لَا يَضُرُّكُمْ تَضْيِيعُ شَيْءٍ مِنْ دُنْيَاكُمْ بَعْدَ حِفْظِكُمْ قَائِمَةَ دِينِكُمْ، أَلَا وَإِنَّهُ لَا يَنْفَعُكُمْ بَعْدَ تَضْيِيعِ دِينِكُمْ شَيْءٌ حَافِظْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكُمْ» (فراز ۸ تا ۱۲)

*توصیف و چپستی دنیا(شش نکته)(فراز ۸ و ۹)

*وظایف ما نسبت به دنیا(هفت مورد)(فراز ۹ و ۱۰)

*نسبت بین دنیا و دین(دو مورد)(فراز ۱۱ و ۱۲)

(۳۲) خطبه ۱۷۵: «فَكُونُوا كَالسَّابِقِينَ قَبْلَكُمْ، وَالْمَاضِينَ أَمَامَكُمْ. قَوِّضُوا مِنَ الدُّنْيَا تَقْوِيضَ الرَّاحِلِ، وَطَوَّوْهَا طَيَّ الْمَنَازِلِ» (فراز ۶)

*تاکید بر عبرت گرفتن از گذشتگان در فانی بودن دنیا(۲ نکته)

*وظایف ما نسبت به دنیا(سه مورد)

(۳۳) خطبه ۱۷۷: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ الدُّنْيَا تَغَرُّ الْمُؤْمِلَ لَهَا وَالْمُخْلِدَ إِلَيْهَا، وَلَا تَنْفَسُ بِمَنْ نَافَسَ فِيهَا، وَتَغْلِبُ مَنْ غَلَبَ عَلَيْهِ» (فراز ۴)

*خطاب به مردم

*توصیف و چپستی دنیا(۳ نکته)

(۳۴) خطبه ۱۸۱: أَلَا إِنَّهُ قَدْ أَدْبَرَ مِنَ الدُّنْيَا مَا كَانَ مُقْبِلًا، وَأَقْبَلَ مِنْهَا مَا كَانَ مُدْبِرًا، وَأَزْمَعَ التَّرْحَالَ عِبَادَ اللَّهِ الْأَخْيَارُ، وَبَاعُوا قَلِيلًا مِنَ الدُّنْيَا لَا يَبْقَى، بِكَثِيرٍ مِنَ الْآخِرَةِ لَا يَفْنَى» (فراز ۲۵)

*توصیف و چپستی دنیا(چهار مشخصه)

(۳۵) خطبه ۱۸۲(دراندر زبه مردم و توصیه های اخلاقی): «فَبَادِرُوا الْمَعَادَ، وَسَابِقُوا الْأَجَالَ، فَإِنَّ النَّاسَ يُوشِكُ أَنْ يَنْقَطِعَ بِهِمُ الْأَمَلُ، وَيَرْهَقَهُمُ الْأَجَلُ، وَيَسَدَّ عَنْهُمْ بَابُ التَّوْبَةِ، فَقَدْ أَصْبَحْتُمْ فِي مِثْلِ مَا سَأَلَ إِلَيْهِ الرَّجْعَةُ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، وَأَنْتُمْ بَنُو سَبِيلٍ، عَلَى سَفَرٍ مِنْ دَارٍ لَيْسَتْ بِدَارِكُمْ، وَقَدْ أُوذِنْتُمْ مِنْهَا بِالْإِرْتِحَالِ، وَأَمِرْتُمْ فِيهَا بِالزَّادِ» (فراز ۱۲ و ۱۳)

※وظایف ما نسبت به دنیا(دومورد)

※ضرورت نقشهای مذکور(هفت مورد)

(۳۶)خطبه ۱۸۴(فراز۷)(خطبه همام، متقین):«صَبَرُوا أَيَّاماً قَصِيرَةً أَعْقَبَتْهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً، تِجَارَةٌ مَرْبِحَةٌ، يَسِّرَهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ. أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُوا، وَأَسْرَتْهُمْ فَفَدَوْا أَنْفُسَهُمْ مِنْهَا»(فراز۷)

※نسبت بین دنیا و متقین

(۳۷)خطبه ۱۸۷(توصیه به تقوی و برحذر داشتن از دنیا):«أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ، بِتَقْوَى اللَّهِ، وَأَحْذَرِكُمُ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا دَارُ شُخُوصٍ، وَمَحَلَّةُ تَنْغِيصٍ، سَاكِنُهَا ظَاغِنٌ، وَقَاطِنُهَا بَائِنٌ، تَمِيدُ بِأَهْلِهَا مِيدَانَ السَّقِينَةِ تَقْصِفُهَا الْعَوَاصِفُ فِي لُجَجِ الْبِحَارِ، فَمِنْهُمْ الْعَرَقُ الْوَبَقُ، وَمِنْهُمْ النَّاجِي عَلَى بَطُونِ الْأُمُوجِ، تَحْفِزُهُ الرِّيَّاحُ بِأَذْيَالِهَا، وَتَحْمِلُهُ عَلَى أَهْوَالِهَا، فَمَا عَرِقَ مِنْهَا فَلَيْسَ بِمُسْتَدْرَكٍ، وَمَا نَجَا مِنْهَا فَإِلَى مَهْلَكٍ! عِبَادَ اللَّهِ، الْآنَ فَاعْلَمُوا، وَالْأَلْسُنُ مُطْلَقَةٌ، وَالْأَبْدَانُ صَحِيحَةٌ، وَالْأَعْضَاءُ لَدَنَةٌ، وَالْمُنْقَلَبُ فَسِيحٌ، وَالْمَجَالُ عَرِيضٌ، قَبْلَ إِرْهَاقِ الْقُوْتِ، وَحُلُولِ الْمَوْتِ، فَحَقَّقُوا عَلَيْكُمْ نَزْوَلَهُ، وَلَا تَنْتَظِرُوا قُدُومَهُ»(فراز ۴تا۲)

※تقوی پیش زمینه موضوع دنیا

※وظیفه ما نسبت به دنیا:برحذر داشتن از دنیا و دلایل آن

※مثال دنیا(فراز ۳و۲)

※توصیف و چستی دنیا(چهارویژگی)(فراز ۲) در بیان ضرورت برحذر داشتن از دنیا

※وظیفه ما : عمل کردن در دنیا

※توضیح وظیفه مذکور(پنج نکته)(فراز ۴)

※بیان ضرورت وظیفه مذکور(چهارنکته)(فراز ۴)

(۳۸)خطبه ۱۹۴(دل نسبتن به دنیا و ترغیب به طاعت و بندگی: آخرت گرایی):«أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ مَجَازٍ، وَالْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَقَرِّكُمْ، وَلَا تَهْتِكُوا أَسْتَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ يَعْلَمُ أَسْرَارَكُمْ، وَأَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ، فَفِيهَا اخْتِبرْتُمْ، وَلِغَيْرِهَا خَلَقْتُمْ»(فراز ۱و ۲)

※خطاب به مردم

※نسبت بین دنیا و آخرت

※وظایف ما نسبت به دنیا(سه مورد)

※ضرورت وظایف مذکور(دو مورد)

(۳۹)خطبه ۱۹۵(موعظه و ترغیب به آماده نمودن توشه سفر آخرت):«تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ! فَقَدْ نُودِيَ فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ، وَأَقْلُوا الْعُرْجَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَأَنْقَلِبُوا بِصَالِحٍ مَا بِحَضْرَتِكُمْ مِنَ الزَّادِ، فَإِنَّ أَمَامَكُمْ عَقْبَةً كَوُوداً، وَمَنَازِلَ مَخُوفَةً مَهُولَةً، لَا بَدَ مِنَ الْوُرُودِ عَلَيْهَا، وَالْوُقُوفِ عِنْدَهَا»(فراز ۱)

※وظیفه مانسبت به دنیا(آماده سفر از دنیا شدن)(سه وظیفه)

※بیان ضرورت وظایف مذکور(چهارمورد)

«فَقَطَّعُوا عِلَاقَ الدُّنْيَا، وَاسْتَظْهَرُوا بِزَادِ التَّقْوَى»(فراز ۳)

※وظایف مانسبت به دنیا(۲مورد)(قطع علایق دنیوی و توشه برداشتن تقوی)

(۴۰)خطبه ۲۱۳(در فضیلت یاد خدا و اوصاف آنان که به یاد خدا مشغولند)(تفسیر آیه «يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ»):«وَإِنَّ لِلذِّكْرِ لِأَهْلًا أَخَذُوهُ مِنَ الدُّنْيَا بَدَلًا، فَلَمْ تَشْغَلْهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْهُ، يَقْطَعُونَ بِهِ أَيَّامَ الْحَيَاةِ، وَيَهْتَفُونَ بِالزَّوَاجِرِ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، فِي أَسْمَاعِ الْغَافِلِينَ، وَيَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ وَيَأْتَمِرُونَ بِهِ، وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَتَنَاهَوْنَ عَنْهُ، فَكَأَنَّمَا قَطَعُوا الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَهُمْ فِيهَا، فَشَاهَدُوا مَا وَرَاءَ ذَلِكَ، فَكَأَنَّمَا أَطْلَعُوا غُيُوبَ أَهْلِ الْبَرْزَخِ فِي طُولِ الْإِقَامَةِ فِيهِ، وَحَقَّقَتِ الْقِيَامَةُ عَلَيْهِمْ عِدَاتِهَا، فَكَشَفُوا غِطَاءَ ذَلِكَ لِأَهْلِ الدُّنْيَا، حَتَّى كَانَهُمْ يَرُونَ مَا لَا يَرَى النَّاسُ، وَيَسْمَعُونَ مَا لَا يَسْمَعُونَ»(فراز ۴و۵)

معرفی صفات اهل ذکر خدا و نسبت آنها با دنیا (۲۱ نکته)

(۴۱) خطبه ۲۱۴ (تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ»): «وَحَقًّا أَقُولُ! مَا الدُّنْيَا غَرَّتْكَ، وَلَكِنْ بِهَا اغْتَرَرْتَ، وَلَقَدْ كَاشَفْتُكَ الْعِظَاتِ، وَأَذَنْتُكَ عَلَى سَوَاءٍ، وَلَهِيَ بِمَا تَعْدُكَ مِنْ نُزُولِ الْبَلَاءِ بِجِسْمِكَ، وَالنَّقْصِ فِي قُوَّتِكَ، أَصْدَقُ وَأَوْفَى مِنْ أَنْ تَكْذِبَكَ، أَوْ تَغُرَّكَ، وَلَرُبَّ نَاصِحٍ لَهَا عِنْدَكَ مَتَّهِمٌ، وَصَادِقٍ مِنْ خَبَرِهَا مُكَذَّبٌ، وَلَكِنَّ تَعَرَّفَتْهَا فِي الدِّيَارِ الْخَاوِيَةِ، وَالرُّبُوعِ الْخَالِيَةِ، لَتَجِدَنَّهَا مِنْ حُسْنِ تَذَكُّيرِكَ، وَبَلَاغِ مَوْعِظَتِكَ، بِمَحَلَّةِ الشَّفِيقِ عَلَيْكَ، وَالشَّحِيحِ بِكَ! (فراز ۸ و ۹)

وظیفه ما نسبت به دنیا: فریب دنیا را نخورید

توضیح وظیفه مذکور (به حیات و زندگی دنیا مغرور نشوید) (۱۷ نکته)

وَلَعَنِمَ دَارٌ مَنْ لَمْ يَرْضَ بِهَا دَارًا، وَمَحَلٌّ مَنْ لَمْ يُوطَّنْهَا مَحَلًّا وَإِنَّ السُّعْدَاءَ بِالدُّنْيَا عَدَا هُمْ الْهَارِبُونَ مِنْهَا الْيَوْمَ» (فراز ۱۰)

جمع بندی و بیانیه

(۴۲) خطبه ۲۱۵: «وَاللَّهُ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاحِهَا، عَلَى أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمْلَةٍ أَسْلَبَهَا جَلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتَهُ، وَإِنْ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لَأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمٍ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا، مَا لِعَلِي وَلِنَعِيمٍ يَفْنَى، وَلَذَّةٍ لَا تَبْقَى! نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سَبَاتِ الْعَقْلِ، وَقُبْحِ الزَّلْزَلِ، وَبِهِ نَسْتَعِينُ» (فراز ۶ و ۷)

نسبت بین امام علی (ع) و دنیا

(۴۳) خطبه ۲۱۷ (درمذمت دنیا و حال گذشتگان): «دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ، وَبِالْغَدْرِ مَعْرُوفَةٌ، لَا تَدُومُ أَحْوَالُهَا، وَلَا يَسْلَمُ نَزَالُهَا. أَحْوَالٌ مُخْتَلِفَةٌ، وَتَارَاتٌ مُتَصَرِّفَةٌ، الْعَيْشُ فِيهَا مَذْمُومٌ، وَالْأَمَانُ مِنْهَا مَعْدُومٌ، وَإِنَّمَا أَهْلُهَا فِيهَا أَغْرَاضٌ مُسْتَهْدَفَةٌ، تَرْمِيهِمْ بِسِهَامِهَا، وَتُفْنِيهِمْ بِحِمَامِهَا. وَأَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّكُمْ وَمَا أَنْتُمْ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا عَلَى سَبِيلٍ مَنْ قَدْ مَضَى قَبْلَكُمْ، مِمَّنْ كَانَ أَطْوَلَ مِنْكُمْ أَعْمَارًا، وَأَعْمَرَ دِيَارًا، وَأَبْعَدَ آثَارًا أَصْبَحَتْ أَصْوَاتُهُمْ هَامِدَةً وَرِيَا حُهُمْ رَاكِدَةً وَأَجْسَادُهُمْ بَالِيَةً وَدِيَارُهُمْ خَالِيَةً وَآثَارُهُمْ عَافِيَةً فَاسْتَبَدَّلُوا بِالْقُصُورِ الْمَشِيدَةِ وَالنَّمَارِقِ الْمُمَهَّدَةِ الصُّخُورِ وَالْأَحْجَارِ الْمُسْتَنْدَةِ وَالْقُبُورِ اللَّاطِئَةِ الْمَلْحَدَةِ الَّتِي قَدْ بُنِيَ بِالْخَرَابِ فَنَاوَهَا وَشِيدَ بِالتَّرَابِ بِنَاوَهَا فَمَحَلُّهَا مُقْتَرِبٌ وَسَاكِنُهَا مُغْتَرِبٌ» (فراز ۱ تا ۵)

توصیف و چپستی دنیا (یازده مورد) (فراز ۱ و ۲)

نسبت بین بندگان و گذشتگان دنیا (دنیای فانی) (۱۶ نکته) (فراز ۳ تا ۵)

(۴۴) خطبه ۲۲۱ (در تقوی و مرگ و فریفته نشدن به دنیا): «فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ، وَالتَّاهُبِ وَالِإِسْتِعْدَادِ، وَالتَّزَوُّدِ فِي مَنْزِلِ الزَّادِ. وَلَا تَغُرَّنْكُمْ الدُّنْيَا كَمَا غَرَّتْ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ، وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، الَّذِينَ احْتَلَبُوا دِرَّتَهَا، وَأَصَابُوا غِرَّتَهَا، وَأَفْنَوْا عِدَّتَهَا، وَأَخْلَقُوا جِدَّتَهَا» (فراز ۶)

وظیفه مانسبت به دنیا (سه مورد)

وظیفه ما: به دنیا مغرور نشوید

تاکید بر عبرت گرفتن از گذشتگان در مغرور نشدن به دنیا (فراز ۷ و ۸ شامل ۹ نکته)

ضرورت توصیه مغرور نشدن به دنیا (نه نکته)

«فَاحْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا غَدَارَةٌ غَرَارَةٌ خَدُوعٌ، مُعْطِيَةٌ مَنُوعٌ، مَلْبَسَةٌ نَزُوعٌ، لَا يَدُومُ رَخَاؤُهَا، وَلَا يَنْقُضِي عَنَاؤُهَا، وَلَا يَرَكُدُ بَلَاؤُهَا» (فراز ۸)

وظیفه ما نسبت به دنیا: بر حذر بودن از دنیا

ضرورت آن (۸ مورد)

«كَانُوا قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا وَلَيْسُوا مِنْ أَهْلِهَا، فَكَانُوا فِيهَا كَمَنْ لَيْسَ مِنْهَا، عَمِلُوا فِيهَا بِمَا يُبْصِرُونَ، وَبَادَرُوا فِيهَا مَا يَحْذَرُونَ، تَقَلَّبَ أَبْدَانُهُمْ بَيْنَ ظَهْرَانِي أَهْلِ الْآخِرَةِ، يَرَوْنَ أَهْلَ الدُّنْيَا يُعْظَمُونَ مَوْتَ أَجْسَادِهِمْ وَهُمْ أَشَدُّ إِعْظَامًا لِمَوْتِ قُلُوبِ أَحْيَائِهِمْ» (فراز ۹)

بیان توصیف زهد در دنیا (هفت ویژگی)

(۴۵) خطبه ۲۳۰ (سفارش به تقوی و یادآوری مرگ): «فَكَفَى وَاعِظًا بِمَوْتِي عَايِنْتُمُوهُمْ، حُمِلُوا إِلَى قُبُورِهِمْ غَيْرَ رَاكِبِينَ، وَأَنْزِلُوا فِيهَا غَيْرَ نَازِلِينَ، كَأَنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا لِلدُّنْيَا عَمَّارًا، وَكَأَنَّ الْآخِرَةَ لَمْ تَزَلْ لَهُمْ دَارًا، أَوْحَشُوا مَا كَانُوا يُوطِنُونَ، وَأَوْطَنُوا مَا كَانُوا يُوحِشُونَ، وَاشْتَغَلُوا بِمَا فَارَقُوا، وَأَضَاعُوا مَا إِلَيْهِ انْتَقَلُوا. لَا عَنْ قَبِيحٍ يَسْتَطِيعُونَ انْتِقَالَ، وَلَا فِي حَسَنٍ يَسْتَطِيعُونَ اِزْدِيَادًا، أَنْسُوا بِالدُّنْيَا فَعَرَّتْهُمْ، وَوَنَقُوا بِهَا فَصَرَعَتْهُمْ» (فراز ۴ و ۵)

*نسبت بین دنیا و آخرت در عبرت گیری از مردگان (۱۲ نکته)

*کفایت موعظه بودن مردگان

«فَسَابِقُوا - رَحِمَكُمُ اللَّهُ - إِلَى مَنَازِلِكُمْ الَّتِي أُمِرْتُمْ أَنْ تَعْمُرُوهَا، وَالَّتِي رَغِبْتُمْ فِيهَا، وَدُعِيتُمْ إِلَيْهَا. وَاسْتَتِمُّوا نِعَمَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ عَلَى طَاعَتِهِ، وَالْمُجَانَبَةِ لِمَعْصِيَتِهِ، فَإِنَّ غَدًا مِنَ الْيَوْمِ قَرِيبٌ. مَا أَسْرَعَ السَّاعَاتِ فِي الْيَوْمِ، وَأَسْرَعَ الْأَيَّامِ فِي الشَّهْرِ، وَأَسْرَعَ الشُّهُورِ فِي السَّنَةِ، وَأَسْرَعَ السِّنِينَ فِي الْعُمُرِ!» (فراز ۶ و ۷)

*وظایف ما نسبت به دنیا (دومورد)

*ضرورت وظایف مذکور (ده مورد)

(۴۶) خطبه ۲۳۲ (سفارش به تقوی و یادآوری مرگ): «فَاللَّهُ اللَّهُ عِبَادَ اللَّهِ! فَإِنَّ الدُّنْيَا مَاضِيَةٌ بِكُمْ عَلَى سَنَنِ، وَأَنْتُمْ وَالسَّاعَةُ فِي قَرْنٍ، وَكَأَنَّهَا قَدْ جَاءَتْ بِأَصْرَاطِهَا، وَأَزِفَتْ بِأَفْرَاطِهَا، وَوَقَفَتْ بِكُمْ عَلَى صِرَاطِهَا. وَكَأَنَّهَا قَدْ أَشْرَفَتْ بِزَلَالِهَا، وَأَنَاحَتْ بِكَلَالِهَا، وَأَنْصَرَمَتْ الدُّنْيَا بِأَهْلِهَا، وَأُخْرِجَتْهُمْ مِنْ حِضْنِهَا، فَكَانَتْ كَيَوْمٍ مَضَى وَشَهْرٍ انْقَضَى، وَصَارَ جَدِيدُهَا رَتًّا، وَسَمِينُهَا غَتًّا. فِي مَوْقِفِ ضَنْكِ الْمَقَامِ، وَأُمُورِ مُشْتَبِهَةِ عِظَامٍ، وَنَارٍ شَدِيدِ كَلْبِهَا، غَالٍ لَجْبِهَا، سَاطِعٍ لَهَبِهَا، مُتَغَيِّظٍ زَفِيرُهَا، مُتَاجِعٍ سَعِيرُهَا، بَعِيدٍ خُمُودُهَا، ذَاكِ وَقُودُهَا، مَخُوفٍ وَعِيدُهَا، عِمٍ قَرَارُهَا، مُظْلِمَةٍ أَقْطَارُهَا، حَامِيَةٍ قُدُورُهَا، فَطِيعَةُ أُمُورِهَا» (فراز ۵ و ۶)

*توصیف و چیرستی دنیا (۲۵ نکته)

«وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا. قَدْ أُمِنَ الْعَذَابُ، وَانْقَطَعَ الْعِتَابُ، وَرَحِزُوا عَنِ النَّارِ، وَأَطْمَأْنَنَتْ بِهِمُ الدَّارُ، وَرَضُوا الْمَثْوَى وَالْقَرَارَ. الَّذِينَ كَانَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا زَاكِيَةً، وَأَعْيُنُهُمْ بَاكِئَةً، وَكَانَ لَيْلُهُمْ فِي دُنْيَاهُمْ نَهَارًا، تَخَشُّعًا وَاسْتِغْفَارًا، وَكَانَ نَهَارُهُمْ لَيْلًا، تَوْحُّشًا وَانْقِطَاعًا، فَجَعَلَ اللَّهُ لَهُمُ الْجَنَّةَ مَابًا، وَالْجَزَاءَ ثَوَابًا، (وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلُهَا) فِي مَلِكٍ دَائِمٍ، وَنَعِيمٍ قَائِمٍ» (فراز ۷)

*تفسیر آیه سوره زمر (نسبت بین اهل تقوا و دنیا و آخرت) (۱۵ نکته)

«فَارْعَوْا عِبَادَ اللَّهِ مَا بِرِعَابَتِهِ يَفُوزُ فَائِزُكُمْ، وَبِإِضَاعَتِهِ يَخْسِرُ مُبْطِلُكُمْ، وَبَادِرُوا آجَالَكُمْ بِأَعْمَالِكُمْ، فَإِنَّكُمْ مُرْتَهِنُونَ بِمَا أَسْلَفْتُمْ، وَمَدِينُونَ بِمَا قَدَّمْتُمْ» (فراز ۸)

*وظیفه ما نسبت به دنیا (دو مورد)

*ضرورت وظایف مذکور (چهارمورد)

(۴۷) خطبه ۲۳۳ (در تقوی و دل نسبتن به دنیا): «أَلَا وَصُونُوهَا وَتَصَوَّنُوا بِهَا، وَكُونُوا عَنِ الدُّنْيَا نَزَاهًا، وَإِلَى الْآخِرَةِ وُلَاهًا. وَلَا تَضَعُوا مَنْ رَفَعْتَهُ التَّقْوَى، وَلَا تَرْفَعُوا مَنْ رَفَعْتَهُ الدُّنْيَا، وَلَا تَشِيمُوا بِأَرْقِهَا، وَلَا تَسْمَعُوا نَاطِقِهَا، وَلَا تُجِيبُوا نَاعِقِهَا، وَلَا تَسْتَضِيئُوا بِإِشْرَافِهَا، وَلَا تُفْتَنُوا بِأَعْلَاقِهَا، فَإِنَّ بَرَقَهَا خَالِبٌ، وَنُطْقَهَا كَاذِبٌ، وَأَمْوَالُهَا مَحْرُوبَةٌ، وَأَعْلَاقُهَا مَسْلُوبَةٌ» (فراز ۷)

*وظایف ما نسبت به دنیا (نه مورد)

*ضرورت وظایف مذکور (چهارمورد)

« أَلَا وَهِيَ الْمُتَصَدِّعَةُ الْعُنُونُ، وَالْجَامِحَةُ الْحُرُونُ، وَالْمَائِنَةُ الْخَوْنُ، وَالْجَحُودُ الْكَنُودُ، وَالْعَنُودُ الصَّدُودُ، وَالْحَيُودُ الْمَيُودُ. حَالُهَا انْتِقَالٌ، وَوُطْأَتُهَا زَلْزَالٌ، وَعِزُّهَا ذُلٌّ، وَجَدُّهَا هَزْلٌ، وَعُلُوُّهَا سُفْلٌ، دَارُ حَرْبٍ وَسَلْبٍ، وَنَهَبٍ وَعَطَبٍ، أَهْلُهَا عَلَى سَاقٍ وَسَبَاقٍ، وَلَحَاقٍ وَفِرَاقٍ. قَدْ تَحَيَّرَتْ مَذَاهِبُهَا، وَأَعْجَزَتْ مَهَارِبُهَا، وَخَابَتْ مَطَالِبُهَا، فَاسْلَمَتْهُمْ الْمَعَاقِلُ، وَلَفْظَتْهُمْ الْمَنَازِلُ، وَأَعْيَتْهُمْ الْمَحَاوِلُ: فَمِنْ نَاجٍ مَعْفُورٍ، وَلَحِمٍ مَجْزُورٍ، وَشَلُوٍ مَذْبُوحٍ، وَدَمٍ مَسْفُوحٍ، وَعَاضٌ عَلَى يَدَيْهِ، وَصَافِقٌ لِكَفْيِهِ، وَمُرْتَفِقٌ بِخَدْيِهِ، وَزَارٍ عَلَى رَأْيِهِ، وَرَاجِعٌ عَنْ عَزْمِهِ، وَقَدْ أَدْبَرَتِ الْحِيلَةُ، وَأَقْبَلَتِ الْغِيلَةُ، (وَلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ)» (فراز ۸ و ۹)

*مثال دنیا (فراز ۸) بیان شش ویژگی

*مذمت و توصیف دنیاپرستی (ده صفت و ویژگی

*سرنوشت دنیاپرستان (۹ویژگی)براساس شرح مکارم

«هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ! قَدْ فَاتَ مَا فَاتَ، وَذَهَبَ مَا ذَهَبَ، وَمَضَتْ الدُّنْيَا لِحَالِ بَالِهَا، (فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ)» (فراز ۱۰)

*پایان زندگی دنیا : بیان هشدار(براساس سه جمله نهایی فراز ۹ و ۱۰ دربردارنده ۷نکته)

بحث و نتیجه گیری:

معنویت یکی از نیازهای درونی انسان است و به عنوان عنصر حیاتی عملکرد انسان در نظر گرفته میشود. دهه اخیر، زمینه ساز ظهور رویکردی جدید در تربیت به نام تربیت معنوی شده است. تربیت معنوی _ که در بُعد شناختی بر بینش ها، در بُعد عاطفی بر گرایش ها و در بُعد عملی بر فعالیت های خاص استوار است _ در همه ابعاد زندگی انسان، تأثیر می گذارد. تربیت معنوی را می توان تلاش و توسعه و تحکیم پیوند انسان با خویش، با انسان دیگر، با طبیعت و خداوند (چهارنوع ارتباط) تعریف کرد که محصول آن بخشیدن غنا و عمق به زندگی و انسان ترکردن انسان است تا در نهایت به تمام معنا انسان شود. درواقع، تربیت معنوی برای این است که انسان روابط خود را با خدا، جهان، زندگی دنیا و آخرت شکل دهد و طبق همان صورتی که فلسفه کلی جامع اسلامی از خالق، انسان، جهان و زندگی دنیا و آخرت تعیین کرده است، گام بردارد. معادباوری (آخرت نگر) یکی از مفاهیم دال بر تربیت معنوی در قالب مؤلفه های اعتقادی شناسایی شده است. نهج البلاغه، سرشار از آموزه های اسلامی و سخنان حضرت علی (ع) و راه روشن بسیاری از اندیشمندان است، آثار مختلف اعتقاد به معاد و هم چنین دنیاشناسی را در حیات انسانی بیان کرده است. توجه دادن به معاد یکی از اصول تربیت معنوی محسوب می شود. پرهیز از دلبستگی به دنیا یکی از مولفه های ساحت اعتقادی، اخلاقی، عبادی و تربیتی از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه گزارش شده است. «دنیا شناسی» یکی از مبانی تعلیم و تربیت در نهج البلاغه است. تربیت معنوی در سیاق مفاهیم نهج البلاغه، تربیت الهی است. تقرب الهی، تقوا و عبودیت از مهم ترین اهداف تربیت معنوی می باشند. مهم ترین آسیب تربیت معنوی دنیاگرایی براساس آموزه های نهج البلاغه است. دنیاگرایی مانع نیل انسان به مراتب کمال، رشد و تربیت معنوی بوده و باعث غفلت انسان از جایگاه انسانی خود خواهد شد.

دنیا و آخرت یکی از موضوعات اصلی و محوری نهج البلاغه است که امام (ع) در ارائه آن، خلاقیت، ابتکار و فصاحت بی بدیل خویش را به نمایش می گذارد. علاوه بر نشان دادن ماهیت اصلی دنیا و آخرت با تعبیر کنایی، ناپایداری دنیا و جاودانگی آخرت و فرا رسیدن زود هنگام مرگ و فاش شدن اسرار در هنگام قیامت را بیان می کند. در این راستا هدف پژوهش حاضر بررسی سیمای دنیا و آخرت از زبان امام علی (ع) در خطبه های نهج البلاغه و هم چنین ساخت و طراحی مدل نهایی مربوطه بوده است. نوع پژوهش «استفاده از منابع موجود» و روش گردآوری اطلاعات «روش تحلیل محتوا» در نظر گرفته شده است. پس از بررسی و مطالعه دقیق هفت منبع و فهرس موضوعی نهج البلاغه در مجموع ۶۴ مرتبه و در ۴۷ خطبه (۱۵۴ فراز) شناسایی و نهایی شدند. با توجه به تعداد کل خطبه های نهج البلاغه می توان نتیجه گرفت که ۲۹ درصد خطبه های نهج البلاغه دربردارنده موضوع دنیا و آخرت بوده است. به طور متوسط هر خطبه پژوهش دارای ۳/۳ فراز محاسبه شده است. پژوهش حاضر به معرفی و بررسی تمامی آنها پرداخته، فیش برداری و هم چنین تجزیه و تحلیل انجام گرفته است. امام با ارایه تصاویر مختلف از دنیا به دنبال این است تا نگاه انسان را نسبت به دنیا در مسیر درست قرار داده و بدو بصیرت بخشد تا حقایق و بطن آن را دیده و بر اساس آن با دنیا به تعامل بپردازد. مهمترین کارکرد تصاویر دنیا در نهج البلاغه، مولفه معرفت دینی آن است که از طریق تحریک و بیدار ساختن عقل و روان آدمی محقق می گردد. به طوری که مخاطب به راحتی این مفاهیم دینی را با جان و دل می پذیرد و در ذهن خود ثبت می کند. تصاویر ارائه شده از دنیا در نهج البلاغه در نسبت بالایی، جنبه منفی آن را آشکار می سازد و به مثابه ی هشدار و تلنگری است که می خواهد موجب دلبستگی به آخرت و دوری انسان از دنیا (دنیابینی و آخرت طلبی) شود. البته در کنار این تصاویر، امام به جنبه مثبت دنیا نیز توجه داشته است.

یافته های نهایی پژوهش بر اساس سه بعد اصلی به قرار ذیل گزارش می شوند(جدول شماره ۱):

جدول شماره ۱) تحلیل محتوای موضوعات اصلی خطبه های نهج البلاغه در باره شناخت دنیا و آخرت از زبان امام علی (ع)

ردیف	نوع متن	تعداد
۱	چیستی و توصیف دنیا	۱۹۰ ویژگی(صفت) (۱۹مورد)
۲	نسبت بین دنیا و آخرت	۲۵ نکته (۸ مورد)
۳	وظایف ما نسبت به دنیا(چه کنیم؟)	۷۳ وظیفه (۳۳ مورد)
۴	ضرورت وظایف مورد بررسی(چرا؟)	۹۶ ضرورت (۱۹ مورد)

۱) بعد شناختی دنیاشناسی:

پژوهش درخصوص بعد شناختی در دو بخش فرعی قابل بررسی است:

الف) جملاتی که به «توصیف و چیستی دنیا» از زبان امام علی (ع) پرداخته است (۱۹ مرتبه و بیان ۱۹۰ ویژگی دنیا).

ب) جملاتی که به بررسی و معرفی چگونگی «نسبت بین دنیا و آخرت» توجه شده است (۷ مرتبه و بیان ۲۵ نکته).

*تاکید بر بی وفایی دنیا(زوال پذیری و ناپایداری دنیا)(خطبه ۱۴۵، فراز ۱ تا ۴، ۱۱ جمله) به منزله برجسته ترین توصیف و چیستی دنیا در نهج البلاغه بوده است.

۲) بعد احساسی/عاطفی دنیاشناسی:

«تفاوت موعظه و حکمت در اینست که سروکار حکمت با عقل و فکر است و سروکار موعظه با دل و عاطفه، حکمت زبان عقل است و موعظه پیام روح» (مطهری، ۱۳۵۸). حضرت علی(ع) در نامه معروف خود به امام حسن مجتبی (ع) می فرمایند: «دلت را با موعظه زنده کن». ابن منظور میگوید: عبره: موعظه است که انسان به واسطه آن پند گیرد و به آن عمل کند (ابن منظور، ۱۴۱۸). فراهمی معنای موعظه را یادآوری خیر دانسته، به گونه ای که قلب شخص را نرم کند(فراهمی، ۱۴۱۰). «موعظه ابزاری است که موجب رقت قلب می شود و بر احساس انسان تأثیری گذارد، نه فقط بر شناخت او. موعظه یک بعد عاطفی دارد که نقطه تأثیر آن است و در حقیقت موعظه به حوزه عقل و فکر محدود نمیشود و بعد احساس و عاطفه را نیز در بر می گیرد» (پسندیده و عسگریان، ۱۳۹۴). چشم، گوش و عقل به منزله ابزارهای عبرت آموزی بوده و هم چنین مرگ، دنیا و تاریخ اقوام قبل به مثابه منابع و امور عبرت شمرده شده اند(قائمی مقدم، ۱۳۸۰، میرشاه جعفری و محمودی، ۱۳۹۰ و احمدیان و اخوان، ۱۳۹۱).

سنخ شناسی بعد احساسی/عاطفی دنیاشناسی (موعظه و پند و عبرت گرفتن از گذشتگان در تبیین زوال پذیری دنیا) عبارتند از (۱۶ مورد و ۱۵ نکته):

الف) جنبه موعظه و عبرت آموزی دنیا:

۱) خدارحمت کند کسی را که تفکر نموده پس عبرت گرفت (خطبه ۱۰۲، فراز ۴ شامل ۴ نکته).

۲) دنیا دار عبرت است (خطبه ۱۱۳، فراز ۱۳ شامل ۴ نکته).

ب) معرفی «مثال دنیا» در راستای عبرت و موعظه افراد:

۱) خطبه ۹۸ (فراز ۲ و ۳، ۶ نکته)

۲) خطبه ۱۸۷ (فراز ۲ و ۳، ۷ نکته)

۳) خطبه ۲۳۳ (فراز ۸، ۶ نکته)

ج) تاکید بر مردگان و عبرت گرفتن از آنها (مردگان برای عبرت گرفتن درباره بی وفایی دنیا کفایت می کنند): خطبه ۲۳۰) فراز ۴ و ۵ شامل ۱۲ نکته):

د) تاکید بر گذشتگان و عبرت گرفتن از آنها:

۱) خطبه ۹۸ (فراز ۵، ۴ نکته)،

۲) خطبه ۱۱۰ (فراز ۱۲ تا ۱۹، ۲۹ نکته)،

(۳) خطبه ۱۷۵ (فراز ۶، شامل ۲ نکته)

(۴) خطبه ۲۱۷ (فراز ۳ تا ۵، ۱۶ نکته)،

(۵) خطبه ۲۲۱ (فراز ۶ و ۷، ۹ نکته).

ر) دعوت به پند و عبرت گرفتن و موعظه شدن بواسطه گذشتگان:

(۱) «پس موعظه و پند گیرید» (خطبه ۱۱۰ فراز ۳) (نکته)

(۲) «واز آنچه بر گذشتگان شما رفته عبرت گیرید» (خطبه ۱۶۰ فراز ۱۲ و ۱۳) (۱۰ نکته)

(۳) «بندگان خدا از موعظه های سودمند پند پذیرید» (خطبه ۸۴ فراز ۳)

(۴) «پس از عبرتها (مرگ و سختیهای بعد از آن) پند گیرید» (خطبه ۱۵۶ فراز ۱۵)

(۵) پند گیرید از احوال پیشینیان قبل از آنکه آیندگان از حال شما پند گیرند (خطبه ۳۲ فراز ۱۲)

(۳) بعد رفتاری دنیاشناسی:

پژوهش در خصوص بعد رفتاری نسبت به دنیا دردو بخش فرعی قابل بررسی است:

الف) جملاتی که به معرفی وظیفه ما نسبت به دنیا از زبان امام علی (ع) پرداخته است (۳۳ مرتبه و معرفی ۷۳ وظیفه).

ب) جملاتی که به معرفی ضرورت و چرایی وظیفه های ما نسبت به دنیا توجه شده است (۱۹ مرتبه و بیان ۹۶ ضرورت).

سنخ شناسی «وظایف برجسته» ما نسبت به دنیا در خطبه های نهج البلاغه (جدول شماره ۲):

الف) وظایفی که در ادامه ذکر وظیفه، «توضیحاتی» درباره اهمیت آنها ارائه شده است:

(۱) مغرور نشدن به دنیا (فریبندگی دنیا): خطبه ۲۲۱ (بیان ۹ ضرورت) و خطبه ۲۱۴ (توضیح ۱۷ نکته)

(۲) عمل کردن در دنیا برای آخرت: خطبه ۸۵ (بیان ضرورت) و خطبه ۹۳ (توضیح براساس ۴ نکته)

ب) «وظایف» نسبت به دنیا که در ادامه سخن به ابعاد گوناگون «ضرورت» (چرایی) آن پرداخته شده است:

(۱) بر حذر بودن از دنیا (۴ خطبه، خطبه های ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۸۷ و ۲۲۱) توصیف و چپستی دنیا به منزله ضرورت وظیفه

ارائه شده، ۳۴ ویژگی دنیا)

(۲) چگونگی نگاه به دنیا (خطبه ۱۰۲، بیان ۸ ضرورت)

(۳) توصیه به ترک کردن دنیا (خطبه ۹۸، بیان ۸ ضرورت)

(۴) توشه برداشتن از دنیا برای آخرت (زاد و تقوی) (۹ خطبه)

(۵) آماده سفر کردن از دنیا و قطع علائق دنیوی (خطبه ۱۹۵)

جدول شماره ۲) پنج وظیفه برجسته ما نسبت به دنیا از زبان امام علی (ع) بر حسب خطبه های مورد بررسی شده

ردیف	نوع متن	شماره خطبه مورد نظر
۱	بر حذر بودن از دنیا	۱۱۰، ۱۱۲، ۱۸۷ و ۲۲۱
۳	عمل کردن در دنیا برای آخرت	۸۵ و ۹۳
۴	مغرور نشدن به دنیا	۲۲۱ و ۲۱۴
۵	توشه برداشتن از دنیا برای آخرت	۲۸، ۴۵، ۶۳، ۸۵، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۸۲، ۱۹۵ (دومرتبه) و ۲۲۱

بخشی دیگر از یافته های پژوهش اختصاص به تبیین چگونگی نسبت بین اصول دین اسلام (شش موضوع) و موضوع دنیاشناسی از منظر امام علی (ع) داشته است (جدول شماره ۳). امام علی (ع) فارغ از سنخ شناسی مباحث مرور شده پیشین، در خصوص تبیین نسبت ما با دنیادر قالب بحثی مستقل به معرفی پیامبران الهی و پیامبر اسلام (ص) به طور خاص به منزله الگوهای عملی این مهم پرداخته است. خطبه ۱۵۹ به این مهم اشاره داشته که در بخش های جداگانه ای به ترسیم الگوها، انسانهای نمونه و اسوه های حسنه در زهد دنیا پرداخته اند:

*اسوه حسنه و الگو بودن پیامبران در مذمت وزهد دنیا:

الف) موسی فراز ۱۴ و ۱۵ (۴ نکته)

ب) داوود فراز ۱۶ (سه نکته)

ج) عیسی (ع) فراز ۱۷ و ۱۸ (هفت نکته)

*الگو بودن پیامبر اسلام (ص) در مذمت و زهد دنیا (فراز ۱۳، فرازهای ۱۹ تا ۲۹) (۵۹ نکته) (فراز ۱۲)

*نتیجه گیری: منت خدادار خصوص اسوه بودن پیامبر اسلام (ص) (فراز ۳۰)

*نسبت امام علی (ع) و تاسی به پیامبر اسلام (ص) در باره موضوع زهد دنیا (فراز ۳۱)

جدول شماره ۳) نسبت بین شناخت دنیا و آخرت و اصول دین اسلام از زبان امام علی (ع) بر حسب خطبه های مورد بررسی شده

ردیف	نوع متن	شماره خطبه مورد نظر
۱	نسبت بین دنیا و خداوند	۱۶۰
۲	نسبت بین دنیا و دین اسلام	۱۷۲ و ۱۰۵
۳	نسبت بین دنیا و ایمان	۱۵۵
۴	نسبت بین دنیا و بهشت	۱۶۴
۵	نسبت بین دنیا و پیامبر اسلام (ص) (زهد نبوی)	۱۵۹ و ۱۰۸
۶	نسبت بین دنیا و امام علی (ع)	۲۱۵ و ۱۵۹، ۱۲۸

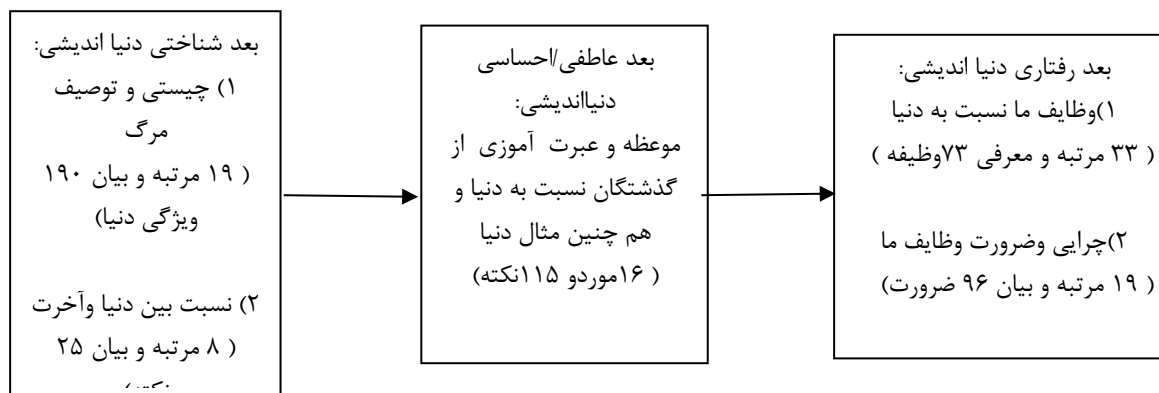
بخشی دیگر از نتایج پژوهش مربوط به شناسایی موضوع محوری و ساختار عمومی خطبه های پژوهش بوده که سه نمونه شاخص آنها عبارتند از:

۱) خطبه هایی که ساختار عمومی آنها به موضوع «بی وفایی دنیا» (خطبه های ۵۲، ۸۲، ۹۸، ۱۰۲، ۱۳۲ و ۱۴۵) پرداخته اند.

۲) خطبه هایی که ساختار عمومی آنها به موضوع «تقوی» (خطبه های ۶۳، ۱۵۶، ۱۸۷، ۲۲۱، ۲۳۰، ۲۳۲ و ۲۳۳) گزارش شده و در ضمن به موضوع دنیا و آخرت نیز پرداخته شده است.

۳) خطبه هایی که به ساختار عمومی آنها موضوع «مرگ» (خطبه های ۲۲۱، ۲۳۰ و ۲۳۲) بوده و در ضمن به موضوع دنیا و آخرت نیز اختصاص داده شده اند.

اندیشه ورزی امام علی (ع) نسبت به دنیا و آخرت برگرفته از آموزه های قرآن کریم، رویکردی روشنگرانه، آینده پژوهی، و تحلیل گر بوده است. طراحی و ساخت مدل نهایی براساس پنج عنصر مذکور و در طی سه مرحله متوالی شناسایی شده است. امام علی (ع) با هدف بصیرت افزایی کاربردی به تبیین موضوع تحقیق به ترتیب شامل سه مرحله ۱) بعد شناختی شامل دویخش فرعی الف) شناخت ماهیت دنیا (توصیف و چیستی دنیا) و ب) نسبت آن با آخرت، ۲) بعد احساسی/عاطفی باتکیه بر عبرت و موعظه نسبت به دنیا (براساس درگذشتگان) و مثال دنیا، ۳) بعد رفتاری شامل دویخش فرعی الف) وظایف ما نسبت به دنیا و ب) چرایی (ضرورت) این وظایف در قبال دنیا پرداخته اند. مرحله نخست (بعد شناختی) به منزله پیش نیاز دوم مرحله دیگر بیان شده و احساسات و هم چنین رفتارمان نسبت به دنیا (بعد عاطفی و رفتاری) وابسته به مرحله اول خواهد بود (شکل ۱).



نمودار شماره ۱) نتیجه گیری نهایی پژوهش:

ساخت و طراحی مدل نهایی عناصر سه گانه تبیین دنیاشناسی از زبان امام علی (ع) در خطبه های نهج البلاغه (۴۷ خطبه و ۶۴ مرتبه)

منابع:

فارسی:

- ارفع، کاظم، (۱۳۷۹). الکتاب المعجم لموضوعات نهج البلاغه، تهران، انتشارات فیض کاشانی.
- اشعری، زهرا، خسرو باقری و افضل السادات حسینی، (۱۳۹۱). مفهوم تربیت معنوی از نگاه طباطبایی، دوفصلنامه تربیت اسلامی، سال هفتم، شماره ۵، پاییز و زمستان، صفحات ۸۹-۱۱۲.
- انصاریان، علی، (۱۳۵۷). الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه، تهران، انتشارات مفید.
- انتظامی بیان، نرگس و احقر قدسی، (۱۳۹۴). تبیین ماهیت تربیت معنوی و راهبردهای تحقق آن در آموزه های قرآنی، اسلام و پژوهش های تربیتی، سال هفتم، شماره ۱ (پیاپی ۱۳)، بهار و تابستان، صفحات ۵۱-۷۰.
- اویس، کریم محمد، (۱۴۰۸ق). المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- بیضون، لیب، (۱۴۰۸ق). تصنیف نهج البلاغه، تهران، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی.
- حسینی خواه، علی، (۱۳۹۷). واکاوی و تبیین تربیت معنوی و نگاهی اجمالی به عناصر برنامه درسی در آن ساحت، مجله تدریس پژوهی، دوره ۶، شماره ۳، مهر، صفحات ۹۵-۱۲۲.
- رضایت غلامحسین، احمد غلامعلی و فاطمه رضایت، (۱۴۰۱). ماهیت معنویت اسلامی با رویکرد تربیتی، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۳۰، شماره ۵۴، اردیبهشت، صفحات ۲۳۹-۲۷۸.
- شهیدی، شهریار و مصطفی حمدیه، (۱۳۸۶). اصول و مبانی بهداشت روانی، تهران، انتشارات سمت.
- شوشتری، محمد تقی، (۱۳۷۶). بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه. چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- مشکینی، علی، (۱۳۶۳). الهادی الی موضوعات نهج البلاغه، تهران، انتشارات چاپخانه ی وزارت اسلامی مطهری، مرتضی، (۱۳۵۴). سیری در نهج البلاغه، قم، انتشارات صدرا.
- مصطفوی، جواد، (۱۳۵۴). الکاشف عن الفاظ نهج البلاغه، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- طهماسب زاده شیخلار، مهدیه جلیل زاده، (۱۴۰۰). تبیین مؤلفه های تربیت معنوی در آموزه های دینی (قرآن) و غیردینی (سکولاریسم) و مطابقت آن با اسناد بالادستی برنامه درسی، سال بیست و نهم، دوره جدید، شماره ۰۵، بهار، صفحات ۲۳۱-۲۷۷.
- قاسم پور، عرفانه؛ ملکی پور، احمد و زارعی صفت، صادق، (۱۳۹۵). تبیین مؤلفه های برنامه درسی معنوی با نگاهی به دیدگاه نادینگر، پژوهش های کیفی در برنامه ریزی درسی، سال اول، شماره ۳، تابستان، صفحات ۲۷-۵۱.
- ورمزیار، محسن فعلی حسین احتشامی و محسن خوشخویی، (۱۴۰۰). نقش آسیب های دنیاگرایی در تربیت معنوی از منظر نهج البلاغه، پژوهشنامه نهج البلاغه، دوره ۹، شماره ۳۴، شهریور، صفحات ۱۳۹-۱۵۶.

یدالهی، محمدجواد، علیرضا فقیهی، محمدسیفی، محمدرضا یوسفی و فائزه ناطقی. (۱۳۹۷). اهداف و اصول تربیت معنوی بر اساس آموزه‌های امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، دوره ۶، شماره ۲۴، اسفند، صفحات ۱۰۵-۱۲۰.

خارجی:

- Fisher, J. & Francis, L. (2000). Assessing Spiritual Health Via 4 Domains of Spiritual Wellbeing. *Pastoral Psychology*, Vol. 49, NO. 2: 133-145.
- Macquarrie, J. (1974). *Paths in Spirituality*. London: SCM Press, Ltd.
- Meehan, C. (2002a). Promoting Spiritual Development in the Curriculum. *Pastoral Care*, March 2002: 16-24.
- Meehan, C. (2002b). Resolving the Confusion in The Spiritual Development Debate. *International Journal of children's Spirituality*, Vol. 7, No. 3: 291-308
- Hand, M., «the Meaning of Spiritual Education», *Oxford Review of Education*: Vol. 29, No .3, 2003.
- Harris, M. and Moran, G. (1998). *Reshaping Religious Education*. Kentucky: Westminster John Knox Press.
- Shamshiri, B.; Rahimian, S.; and Ardekani, H. A. T. (2020). The Study of Spiritual Education in Seyyed Hosein Nasrs' Works and Comparing It with Some Current Definitions. *Al-Shajarah: Journal of the International Institute of Islamic Thought and Civilization (ISTAC)*, 25(1), 107-126.
- Watson, J. (2006). Spiritual Development and Inclusivity: The Need for a Critical Democratic Approach. *International Journal of children's Spirituality*, Vol. 11, No. 1: 113-124.